



مؤلف:
دکتر محمد جال

عربی دوازدهم

هج
سج

۱۰۰

صفحه تحلیل متون
کتاب درسی

۳۰

صفحه آموزش قواعد و
پاسخ تمارین کتاب درسی

۱۰۰۰

پرسش امتحان نهایی
درس به درس

۸

آزمون درس به درس
با پاسخ

۶

آزمون نیم سال اول و
جامع با پاسخ

فرمول
یست
زود



9 786220 308904

تهران، میدان انقلاب
نیش بازار چه کتاب

www.gajmarket.com

مقدمه مؤلف

نثار روح پدر عزیزم و همه پدران
آسمانی که همیشه در قلب ما
جاویدان هستند.

با توجه به تغییرات اخیر در نظام ارزشیابی یعنی حذف دروس عمومی از کنکور، تأثیر قطعی نمرات امتحان نهایی در قبولی دانشگاه‌ها و نیز مفهومی شدن سؤالات، به دست آوردن نمره کامل (۲۰) بسیار دشوار می‌نماید. کتاب عربی «زودپز» به همین منظور با زبانی ساده و قابل فهم برای داوطلبان تألیف شده است تا با مطالعه آن، نمره مطلوب را در امتحان نهایی به دست آورید.

● ویژگی‌های کتاب حاضر عبارتند از:

۱ ترجمه و شرح آیات و عبارات «متن درس، تمرین‌های متن درس، اِعلَمُوا، اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ و تمارین» که هر یک شامل بخش‌های زیر است:

الف ترجمه کامل عبارت

ب ترجمه کلمات (شامل ترجمه لفظ به لفظ کلمات)

ج واژه‌شناسی (شامل مترادف و متضاد، جمع مکسر، اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مکان، اسم مبالغه و کلمات مشابه)

د نقش کلمات (محل اعرابی کلمات)

۲ آموزش قواعد هر درس

۳ حل تمرین‌های هر درس

۴ نمونه سؤالات تفکیکی امتحانات نهایی درس به درس شامل:

الف ترجمه کلمات ب متضاد و مترادف ج کلمه متفاوت در معنی د مفرد یا جمع کلمات ه توضیح کلمات و ترجمه آیات

و احادیث و عبارت‌ها به فارسی ز انتخاب صحیح در ترجمه ح کامل کردن ترجمه فارسی در جای خالی ط ترجمه فعل‌ها

ی انتخاب فعل مناسب در جای خالی ک پیدا کردن انواع اسم در جمله‌ها (اسم فاعل - اسم مفعول - اسم مبالغه - اسم تفضیل -

اسم مکان) ل ترجمه کلماتی که زیرشان خط کشیده شده است م نقش کلمات (محل اعرابی) ن مشخص کردن گزینه صحیح

در اعراب و تحلیل صرفی س مشخص کردن کلمه صحیح در جای خالی ع درک مطلب

ه پاسخ تشریحی نمونه سؤالات تفکیکی امتحانات نهایی درس به درس

۶ آزمون‌های تألیفی درس به درس و جامع نیم‌سال اول و آزمون‌های نهایی چند سال اخیر

● نحوه استفاده از کتاب حاضر

● توصیه ما این است که ابتدا «قواعد» هر درس همراه با نمونه مثال و بعد از آن ترجمه عبارات متن درس و ترجمه سایر بخش‌های کتاب درسی با دقت مطالعه شود تا بتوانید به خوبی «عبارت‌های عربی» را که مهم‌ترین بخش کتاب درسی است، ترجمه کنید. البته بهتر است در هر بخش از ترجمه نیز ابتدا بخش ترجمه کلمات، واژه‌شناسی و فن ترجمه آن را مطالعه کنید، سپس ترجمه کامل و نقش کلمات را بخوانید.

● در مرحله بعد، به تمرین‌های درس به درس از امتحانات نهایی و آزمون‌های تألیفی (۲۰ نمره‌ای) که در پایان هر درس طراحی شده است، با دقت پاسخ دهید.

● در پایان از همه دوستان و عزیزانی که بی‌منت مرا در این امر یاری کردند تا این کتاب با بهترین محتوا و کیفیت به دستتان برسد، صمیمانه سپاس‌گزارم:

سرکار خانم زهرا فارسی که با دقت، نکته‌سنجی و دانش بالای خود در بازبینی علمی کتاب زحمات شایان توجهی را متحمل شدند. آقایان: سعید ملکوتی، عباس روزده، سیدعزت عمید، دکتر غلامحسین کسرایی، دکتر حبیب تقوایی، علی شعاعی، اسفندیار زهره‌وند، محمد جدیدی.

خانم‌ها: فاطمه سادات شیرنگی، دکتر طیبه عباسی، جواهر فرحات، مریم اسدیان، دکتر فائقه نکیسا، شکوفه سلطانی

فهرست

۵

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ: الدِّينُ وَالتَّدِينُ

۸۱

الدَّرْسُ الثَّانِي: مَكَّةُ الْمُكَرَّمَةُ وَ الْمَدِينَةُ الْمُنَوَّرَةُ

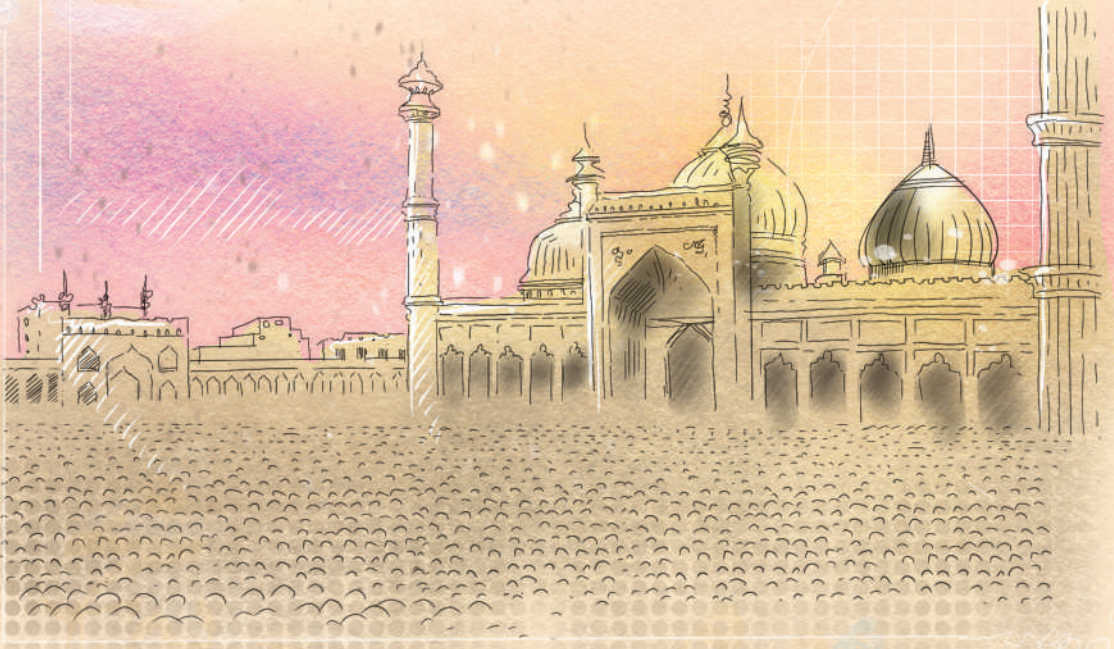
۱۵۹

الدَّرْسُ الثَّالِثُ: الْكُتُبُ طَعَامُ الْفِكْرِ

۲۳۳

الدَّرْسُ الرَّابِعُ: الْفَرَزْدَقُ

الدرس الأول



﴿أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً﴾
بایک تپ رستی به دین روی آور.

کارگاه ترجمه و نقش کلمات

ترجمه و شرح آیات و عبارات «متن درس»

یونس: ۱۰۵

﴿أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا﴾

ترجمه کامل: با یکتاپرستی به دین روی آورا!

ترجمه کلمات

أَقِمَّ وَجْهَكَ: روی بیاور (اصطلاح) (ماضی: «أَقَامَ وَجْهَهُ» روی آورد) / مضارع: «يُقِيمُ وَجْهَهُ» روی می آورد)
الْحَنِيفُ: یکتاپرست [حَنِيفًا: با یکتاپرستی، معادل قید حالت در زبان فارسی و «حال» در زبان عربی است که در درس دوم خواهید خواند.]

واژه‌شناسی

مترادف: أَقِمَّ وَجْهَكَ = أَقْبَلَ عَلَى / الْحَنِيفُ = الْمُؤَحَّد

متضاد: الْحَنِيفُ ≠ الْمُشْرِكُ، الْكَافِرُ (کافر)

مفرد و جمع: الْوَجْهَ ← جمع مکتسر ← الْوُجُوهُ / الدِّينَ ← جمع مکتسر ← الْأَدْيَانِ

نقش کلمات^۱

أَقِمَّ: فعل و فاعل / وَجْهَهُ: مفعول / لَدِّ: مضاف‌الیه / لِلدِّينِ: جار و مجرور (لـ: حرف جر؛ الدِّین: مجرور به حرف جر) / حَنِيفًا: حال (معادل قید حالت در زبان فارسی)

﴿التَّائِبِينَ فَطَرْنِي فِي الْإِنْسَانِ. وَالتَّارِبِخُ يَقُولُ لَنَا:﴾

ترجمه کامل: دینداری در انسان فطری است و تاریخ به ما می‌گوید:

ترجمه کلمات

التَّائِبِينَ: دینداری، دیانت، متدین بودن / فَطَرْنِي: ذاتی، سرشتی، فطری / يَقُولُ: می‌گوید

واژه‌شناسی

مترادف: التَّائِبِينَ = التَّشَرُّعُ / التَّائِبِينَ: مصدر از باب تَفَعَّلَ
متضاد: التَّائِبِينَ ≠ الْكَفَرُ (بی‌دینی) / يَقُولُ ≠ يَسْكُتُ (سکوت می‌کند)

نقش کلمات

التَّائِبِينَ: مبتدا / فَطَرْنِي: خبر / فِي الْإِنْسَانِ: جار و مجرور / **التَّارِبِخُ:** مبتدا / يَقُولُ: فعل و فاعل، خبر برای «التَّارِبِخُ» / **لَنَا:** جار و مجرور

۱. دانش‌آموز عزیز با توجه به اینکه شما با تمام نقش‌های کلمه‌ها در عربی هفتم تا دوازدهم آشنا نمی‌شوید، ما تلاش کردیم تا حد امکان تنها به ذکر نقش‌هایی که با آن آشنایی دارید، بپردازیم.

لا شَعَبَ مِنْ شُعُوبِ الْأَرْضِ إِلَّا وَكَانَ لَهُ دِينٌ وَطَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ.

ترجمه کامل: هیچ ملتی از ملت‌های زمین نیست؛ مگر این که آیین و روشی برای پرستش (عبادت کردن) داشته باشد.

نقش کلمات

لا: لای نفی جنس / مِنْ شُعُوبِ: جار و مجرور / الْأَرْضِ: مضاف الیه /
كَانَ: فعل ناقص / لَهُ: جار و مجرور / لِلْعِبَادَةِ: جار و مجرور

فنون ترجمه

حرف جر «لِ» یا «عِنْدَ» + اسم یا ضمیر (در آغاز جمله اسمیه) = داشتن
مثال: لَهُ دین، عِنْدَهُ دین ◀ دینی دارد
فعل ماضی «كَانَ» + «لِ» یا «عِنْدَ» + اسم یا ضمیر = داشت
مثال: كَانَ لَهُ دین، كَانَ عِنْدَهُ دین ◀ دینی داشت

ترجمه کلمات

لا شَعَبَ: هیچ ملتی ... نیست، اصلاً ملتی ... نیست (وجود ندارد) [«هیچ + اسم نکره ... نیست»] / مِنْ شُعُوبِ الْأَرْضِ: از ملت‌های زمین / إِلَّا: جز اینکه، مگر اینکه / كَانَ لَهُ دینٌ وَ طَرِيقَةٌ: دینی و روشی ... داشت

واژه‌شناسی

مترادف: الطَّرِيقُ = السَّبِيلُ = الصَّرَاطُ = النَّهْجُ
مفرد و جمع: الشَّعْبُ جمع مکسر الشُّعُوبُ / الطَّرِيقُ جمع مکسر الطَّرِيقُ
کلمات مشابه: الشَّعْبُ: ملت، العُشْبُ: گیاه

فَالْآثَارُ الْقَدِيمَةُ الَّتِي اكْتَشَفَهَا الْإِنْسَانُ، وَالْحَضَارَاتُ الَّتِي عَرَفَهَا مِنْ خِلَالِ الْكِتَابَاتِ وَ النَّقُوشِ وَ

الرُّسُومِ وَ التَّمَاثِيلِ، تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالَّذِينَ وَ تَدُلُّ عَلَى أَنَّهُ فِطْرِيٌّ فِي وُجُودِهِ؛

ترجمه کامل: آثار قدیمی (کهنی) که انسان آن‌ها را کشف کرده و تمدن‌هایی که آن‌ها را از طریق نوشته‌ها، نگاره‌ها، نقاشی‌ها و تندیس‌ها شناخته است، بر توجه انسان به دین تأکید می‌کند و بر اینکه [این دینداری] در وجود او فطری است، دلالت می‌کند.

مفرد الحَضَارَةُ / الْكِتَابَاتِ مفرد الْكِتَابَةُ / النَّقُوشِ مفرد النَّقْشُ / الرُّسُومِ مفرد الرِّسْمِ / التَّمَاثِيلِ مفرد التَّمَالِ

نقش کلمات

الْآثَارُ: مبتدا / الْقَدِيمَةُ: صفت / اكْتَشَفَ: فعل / ها: مفعول / الْإِنْسَانُ: فاعل / عَرَفَ: فعل و فاعل / ها: مفعول / مِنْ خِلَالِ: جار و مجرور / الْكِتَابَاتِ: مضاف الیه / تُؤَكِّدُ: فعل و فاعل، خبر برای «الآثار» / الْاهْتِمَامُ: مفعول / الْإِنْسَانِ: مضاف الیه / بِالَّذِينَ: جار و مجرور / تَدُلُّ: فعل و فاعل / أَنَّ: حرف مشبّه بالفعل / فِي وُجُودِهِ: جار و مجرور / ه: مضاف الیه

فنون ترجمه

هرگاه قبل از اسم موصول «الَّذِي، الَّتِي، الَّذِينَ و ...» اسمی دارای «ال» باشد و اسم موصول معنای «که» بدهد، نقش آن صفت است و اسم معرفه ما قبل آن با «ی» ترجمه می‌شود:
مثال: الْقَدِيمَةُ الَّتِي ◀ کهنی که / مثال: الْحَضَارَاتُ الَّتِي ◀ تمدن‌هایی که

ترجمه کلمات

الْآثَارُ الْقَدِيمَةُ الَّتِي: آثار قدیمی را که / اكْتَشَفَهَا الْإِنْسَانُ: انسان آن‌ها را کشف کرد (کرده است) / الْحَضَارَاتُ الَّتِي: تمدن‌هایی که / عَرَفَ: شناخت / مِنْ خِلَالِ: از میان / الْكِتَابَاتِ: دست‌خط‌ها، دست‌نوشته‌ها / النَّقُوشِ: کنده‌کاری‌ها، نگاره‌ها / الرُّسُومِ: نقاشی‌ها / التَّمَاثِيلِ: مجسمه‌ها، تندیس‌ها / تُؤَكِّدُ: تأکید می‌کند / الْاهْتِمَامُ: توجه / تَدُلُّ عَلَى أَنَّهُ: راهنمایی می‌کند، (دلالت می‌کند) بر اینکه آن

واژه‌شناسی

مترادف: اكْتَشَفَ = وَجَدَ / عَرَفَ = عَلِمَ / الْاهْتِمَامُ = الْعَيْنَةُ / تَدُلُّ = تَهْدِي = تُرْشِدُ
متضاد: الْقَدِيمَةُ ≠ الْحَدِيثَةُ، الْجَدِيدَةُ (جدید، نو) / عَرَفَ ≠ جَهَلَ (نشناخت، نادان شد) / تَدُلُّ ≠ تُضِلُّ (گمراه می‌کند)
مفرد و جمع: الْآثَارُ جمع مکسر الْأَثَرُ / الْقَدِيمُ جمع مکسر الْقَدَمَاءُ / الْحَضَارَاتُ

وَلَكِنَّ عِبَادَاتِهِ وَشَعَائِرَهُ كَانَتْ خُرَافِيَّةً، مِثْلُ تَعَدُّدِ الْأَلِهَةِ وَتَقْدِيمِ الْقَرَابِينِ لَهَا لِكَسْبِ رِضَاهَا وَ

تَجَنُّبِ شَرِّهَا.

ترجمه کامل: اما عبادت‌ها و مراسم او خرافی بود؛ مانند چند خدایی (تعدد خدایان) و پیشکش کردن قربانی‌ها برای آن‌ها برای کسب خشنودی آنها و دوری جستن از بدی آن‌ها.

ترجمه کلمات

مفرد و جمع: عبادات ← عبادة / الشعائر ← الشعيرة / الميثل
جمع مكثر ← الأمثال / الآلهة ← الإله / القرابين ← القران / الشر
جمع مكثر ← الشرور
کلمات مشابه: أشعار: شعرها، شعائر: مراسم

نقش کلمات

لَكِنَّ: حرف مشبّه بالفعل / ه: مضاف الیه / كَانَتْ: فعل ناقص / تَعَدَّدَ: مضاف الیه / آَلِهَة: مضاف الیه / الْقَرَابِين: مضاف الیه / لَهَا: جار و مجرور / لِكَسْبِ: جار و مجرور / رِضَا و هَا: هر دو مضاف الیه / «رِضَا» و «هَا»: هر دو مضاف الیه

واژه‌شناسی

مترادف: التَّقْدِيم = الإِعْطَاء / الكَسْب = التَّيْل = الحُصُول عَلَى / التَّجَنُّب = الإِبْتِعَاد عَنْ / الإِجْتِنَاب / الشَّرّ = السَّيِّئَةُ = الشُّوء
متضاد: التَّقْدِيم ≠ الأَخْذ، الإِسْتِلَام (گرفتن) / الكَسْب ≠ الْفَقْد، الإِضَاعَة (از دست دادن) / التَّجَنُّب ≠ التَّقَرُّب (نزدیک شدن) / الشَّرّ ≠ الْخَيْر (خوبی)

وَازْدَادَتْ هَذِهِ الْخُرَافَاتُ فِي أَدْيَانِ النَّاسِ عَلَى مَرَّ الْعُصُورِ.

ترجمه کامل: و در گذر زمان، این خرافات در دین‌های مردم افزایش یافت.

ترجمه کلمات

مفرد و جمع: الخُرَافَات ← الخُرَافَة / أَدْيَان ← دین / العُصُور ← العَصْر
کلمات مشابه: المَرّ: گذر (گذشتن)، المَرّ: تلخ، المَرّة: بار (دفعه)

نقش کلمات

إِزْدَادَتْ: فعل / هَذِهِ: فاعل / فِي أَدْيَانِ: جار و مجرور / النَّاسِ: مضاف الیه / عَلَى مَرّ: جار و مجرور / الْعُصُورِ: مضاف الیه

واژه‌شناسی

مترادف: إِزْدَادَتْ = كَثُرَتْ
متضاد: إِزْدَادَتْ ≠ قَلَّتْ، نَقَصَتْ (کم شد) / الْخُرَافَات ≠ الْحَقَائِق (حقیقت‌ها، واقعیات‌ها)

وَلَكِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَتْرُكِ النَّاسَ عَلَى هَذِهِ الْحَالَةِ؛ فَقَدْ قَالَ فِي كِتَابِهِ الْكَرِيمِ:

ترجمه کامل: ولی خدا - پربرکت و بلندمرتبه [بادا نام او] - مردم را بر همین حالت رها نساخت؛ پس در کتاب باکرامتش فرموده است:

نقش کلمات

لَكِنَّ: حرف مشبیهة بالفعل / لَمْ يَتْرُكْ: فعل و فاعل / النَّاسُ: مفعول / عَلَى هَذِهِ الْحَالَةِ: جار و مجرور / قَالَ: فعل و فاعل / فِي كِتَابِهِ: جار و مجرور / ه: مضاف الیه / الْكَرِيمِ: صفت

ترجمه کلمات

لَكِنَّ: ولی / لَمْ يَتْرُكْ: رها نکرد، رها نکرده است / النَّاسُ: مردم را / عَلَى هَذِهِ الْحَالَةِ: بر این حالت / قَدْ قَالَ: گفته است / فِي كِتَابِهِ الْكَرِيمِ: در کتاب ارزشمندش

فنون ترجمه

حرف «لَمْ» + فعل مضارع = ماضی ساده منفی یا نقلی منفی
مثال: لَمْ يَتْرُكْ ◀ رها نکرد، رها نکرده است
حرف «قَدْ» + فعل ماضی = ماضی نقلی
مثال: قَدْ قَالَ ◀ گفته است، فرموده است

واژه‌شناسی

مترادف: لَمْ يَتْرُكْ = لَمْ يَهْجُرْ
متضاد: يَتْرُكْ ≠ يَهْتَمُّ بـ ... (توجه می‌کند)
مفرد و جمع: الْكِتَابُ ← جمع مکسر الْكُتُبُ

الْقِيَامَةُ: ۳۶

﴿أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى﴾

ترجمه کامل: آیا انسان می‌پندارد که بیهوده رها شود؟ (جمله استفهام انکاری است)

نقش کلمات

يَحْسَبُ: فعل / الْإِنْسَانُ: فاعل / أَنْ يُتْرَكَ: فعل مجهول / سُدًى: حال (قید حالت در زبان فارسی)

ترجمه کلمات

أَيَا / يَحْسَبُ: می‌پندارد / أَنْ يُتْرَكَ: که رها شود (فعل مجهول) / سُدًى: بیهوده و پوچ

فنون ترجمه

حرف ناصبه «أَنْ» (به معنی «که») + فعل مضارع = مضارع التزامی
مثال: أَنْ يُتْرَكَ ◀ که رها شود

واژه‌شناسی

مترادف: يَحْسَبُ = يَظُنُّ = يَتَصَوَّرُ / السُّدَى = الْعَبَثُ، الْبَاطِلُ
متضاد: يَحْسَبُ ≠ يَتَأَكَّدُ، يَطْمَئِنُّ (اطمینان دارد) / السُّدَى ≠ الْمُفِيد (مفید)

لِذَلِكَ أَرْسَلَ إِلَيْهِمُ الْأَنْبِيَاءَ لِيُبَيِّنُوا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ وَالَّذِينَ الْحَقَّ.

ترجمه کامل: به همین خاطر پیامبران را به سوی آن‌ها فرستاد تا راه راست و دین حق را آشکار کنند.

لِيُبَيِّنُوا: تا آشکار کنند / الصِّرَاطَ: راه / الْمُسْتَقِيمَ: راست

ترجمه کلمات

لِذَلِكَ: بنابراین، از این رو / أَرْسَلَ: فرستاد / إِلَيْهِمْ: به سوی آن‌ها

نقش کلمات

لِذَلِكَ: جار و مجرور / أُرْسِلَ: فعل و فاعل / إِلَيْهِمْ: جار و مجرور /
لِيُبَيِّنُوا: فعل و فاعل / الصَّراط: مفعول / المُسْتَقِيم: صفت /
الْحَقِّ: صفت

فنون ترجمه

حرف ناصبه «لِ» + فعل مضارع = مضارع التزامی

مثال: يُبَيِّنُونَ ◀ آشکار می کنند ◀ لِيُبَيِّنُوا ▶ تا آشکار کنند

واژه شناسی

مترادف: يُبَيِّن = يُظْهِرُ / أُرْسِلَ = بَعَثَ (فرستاد)
متضاد: يُبَيِّنُ ≠ يُخْفِي، يَسْتُرُ، يَكْتُمُ (پنهان می کند)
مفرد و جمع: الأنبياء ← مفرّد النَّبِيِّ
اسم فاعل: المُسْتَقِيم (از باب استفعال)

وَقَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ عَنْ سِيرَةِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَصِرَاعِهِمْ مَعَ أَقْوَامِهِمُ الْكَافِرِينَ.

ترجمه کامل: و قرآن کریم درباره روش پیامبران (ع) و درگیری آن ها با مردمان کافرشان با ما سخن گفته است.

نقش کلمات

حَدَّثَ: فعل / نا: مفعول / الْقُرْآنُ: فاعل / الْكَرِيمُ: صفت / عَنْ
سِيرَةِ: جار و مجرور / الْأَنْبِيَاءِ: مضاف الیه / صِرَاعِ: معطوف /
هُمْ: مضاف الیه / أَقْوَامِ: مضاف الیه / هُم: مضاف الیه /
الْكَافِرِينَ: صفت

فنون ترجمه

اسم + ضمیر متصل (ه، هما، هم و ...) + اسم دارای «أَلْ» (صفت) =
(مضاف + مضاف الیه + صفت)

این نوع ترکیب را «اضافی - وصفی» گویند که بین موصوف و صفت، مضاف الیه می آید و در ترجمه زبان فارسی، اول «صفت»، بعد «مضاف الیه» ترجمه می شود. در «أَقْوَامِهِمُ الْكَافِرِينَ» به جای اینکه گفته شود «گروه هایشان کافر» گفته می شود: «گروه های کافرشان».

توجه: صفت در زبان فارسی مفرد ترجمه می شود هر چند که در زبان عربی جمع باشد. در اینجا «کافرین» با اینکه جمع است به صورت مفرد ترجمه شد؛ زیرا نقش آن صفت است.

ترجمه کلمات

قَدْ حَدَّثَنَا: با ما سخن گفته است / عَنْ سِيرَةِ الْأَنْبِيَاءِ: درباره سرگذشت (روش و کردار) پیامبران / صِرَاعِهِمْ: کشمکش آن ها / مَعَ أَقْوَامِهِمُ الْكَافِرِينَ: با مردمان کافرشان

واژه شناسی

مترادف: قَدْ حَدَّثَنَا = قَدْ تَكَلَّمَ مَعَنَا / السَّيْرَةُ = السُّلُوكُ / الصَّرَاعُ = النَّزَاعُ / الْأَنْبِيَاءُ = الرُّسُلُ
متضاد: قَدْ حَدَّثَ ≠ قَدْ سَكَتَ، قَدْ صَمَتَ (ساکت شد، سکوت کرد) /
الصَّرَاعُ ≠ السَّلَامُ، السَّلَامُ (صلح، آشتی)
مفرد و جمع: الْأَقْوَامُ ← مفرّد الْقَوْمِ
اسم فاعل: الْكَافِرِ
کلمات مشابه: حَدَّثَ: سخن گفت، أَحَدَّثَ: به وجود آورد / الصَّرَاعُ: درگیری (نزاع)، الصَّدَاعُ: سردرد

وَلَنَذْكُرَنَّ مَثَلًا لِّإِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ الَّذِي حَاوَلَ أَنْ يُنْقِذَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ.

ترجمه کامل: باید یاد کنیم به عنوان مثال، [داستان] ابراهیم خلیل (ع) را که تلاش کرد قومش را از پرستش بت‌ها نجات دهد.

نقش کلمات

لَنَذْكُرَنَّ: فعل و فاعل / **إِبْرَاهِيمَ:** مفعول برای فعل «نَذْكُرُ» /
الْخَلِيلَ: صفت برای ابراهیم / **إِبْرَاهِيمَ:** معرفه به «عَلَّمَ» / **الْخَلِيلَ:**
 معرفه به «آل» / **حَاوَلَ:** فعل و فاعل / **أَنْ يُنْقِذَ:** فعل و فاعل /
قَوْمَهُ: مفعول / **ه:** مضاف‌الیه / **مِنْ عِبَادَةِ:** جار و مجرور /
الْأَصْنَامِ: مضاف‌الیه

ترجمه کلمات

وَلَنَذْكُرَنَّ: باید یاد کنیم / **مَثَلًا:** مثالی را، به عنوان مثال /
إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلَ الَّذِي: ابراهیم خلیل را که / **حَاوَلَ:** تلاش کرد /
أَنْ يُنْقِذَ: که نجات دهد / **قَوْمَهُ:** قومش را / **مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ:**
 از عبادت بت‌ها

واژه‌شناسی

مترادف: الْخَلِيل = الصَّدِيق = الْحَبِيب = الصَّاحِب / حَاوَلَ = سَعَى =
 اجْتَهَدَ = جَدَّ
متضاد: نَذْكُرُ ≠ نَنْسَى (فراموش می‌کنیم) / الْخَلِيل ≠ الْعَدُو، العادي
 (دشمن) / حَاوَلَ ≠ وَهَنَ (سست شد، ترک و رها کرد)
مفرد و جمع: الْأَصْنَامُ ← مَفْرُودُ الصَّنَمِ
کلمات مشابه: الْعِبَادَةُ، عِبَادَت، الْعِبَاد: بندگان

فَفِي أَحَدِ الْأَعْيَادِ لَمَّا خَرَجَ قَوْمُهُ مِنْ مَدِينَتِهِمْ، بَقِيَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَحِيدًا،

ترجمه کامل: و در یکی از عیدها، هنگامی که قوم او از شهرشان خارج شدند، ابراهیم (ع) تنها ماند

نقش کلمات

فِي أَحَدِ: جار و مجرور / **الْأَعْيَادِ:** مضاف‌الیه / **لَمَّا:** ظرف (قید زمان) /
خَرَجَ: فعل / **قَوْمَهُ:** فاعل / **ه:** مضاف‌الیه / **مِنْ مَدِينَتِهِمْ:** جار و مجرور /
ه: مضاف‌الیه / **بَقِيَ:** فعل / **إِبْرَاهِيمَ:** فاعل / **وَحِيدًا:** حال (قید حالت
 در زبان فارسی)

ترجمه کلمات

فِي أَحَدِ الْأَعْيَادِ: در یکی از عیدها / **لَمَّا:** زمانی که، هنگامی که /
خَرَجَ قَوْمُهُ: قومش خارج شدند / **مِنْ مَدِينَتِهِمْ:** از شهرشان /
بَقِيَ: باقی ماند / **وَحِيدًا:** تنها

واژه‌شناسی

مترادف: بَقِيَ = اسْتَقَرَّ / لَمَّا = عِنْدَمَا
متضاد: بَقِيَ ≠ ذَهَبَ (رفت) / خَرَجَ ≠ دَخَلَ (داخل شد)
مفرد و جمع: الْأَعْيَادُ ← مَفْرُودُ الْعِيدِ
کلمات مشابه: خَرَجَ، خارج شد، تَخَرَّجَ: فارغ‌التحصیل شد

فَحَمَلَ فَأَسَأَ، وَكَسَّرَ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ فِي الْمَعْبَدِ إِلَّا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ، ثُمَّ عَلَّقَ الْفَأْسَ عَلَى كَتِفِهِ وَتَرَكَ الْمَعْبَدَ.

ترجمه کامل: و تبری را برداشت و همه بت ها را به جز بت بزرگ در معبد، شکست. سپس تبر را روی شانه (دوش) او آویزان کرد و معبد را ترک نمود.

اسم مکان: الْمَعْبَد

کلمات مشابه: حَمَلَ: حمل کرد (برد)، حَمَلٌ: تحمیل کرد / الْفَأْسُ: تبر، الرَّأْسُ: سر / عَلَّقَ: آویخت، لَعَقَ: لیسید

نقش کلمات

حَمَلَ: فعل و فاعل / فَأَسَأَ: مفعول / كَسَّرَ: فعل و فاعل / جَمِيعَ: مفعول / الْأَصْنَامَ: مضاف الیه / فِي الْمَعْبَدِ: جار و مجرور / إِلَّا: ادات استثناء / الصَّنَمَ: مستثنی (با اسلوب استثناء در درس سوم آشنایی شویم) / الْكَبِيرَ: صفت / عَلَّقَ: فعل و فاعل / الْفَأْسَ: مفعول / عَلَى كَتِفِهِ: جار و مجرور / ه: مضاف الیه / تَرَكَ: فعل و فاعل / الْمَعْبَدَ: مفعول

ترجمه کلمات

فَحَمَلَ فَأَسَأَ: پس تبری را حمل کرد (برداشت) / كَسَّرَ: شکست / جَمِيعَ: همه / الْأَصْنَامَ: بت ها / الْمَعْبَدَ: پرستشگاه (عبادتگاه) / إِلَّا: به جز / الصَّنَمَ الْكَبِيرَ: بت بزرگ / ثُمَّ: سپس / عَلَّقَ: آویخت / عَلَى كَتِفِهِ: بر شانه اش / تَرَكَ: رها کرد

واژه شناسی

مترادف: تَرَكَ = هَجَرَ / كَبِير = عَظِيم

متضاد: كَبِير ≠ صَغِير (کوچک)

مفرد و جمع: الْفَأْسُ ← جمع مكثر ← الْفُؤُوس / الْمَعْبَد ← جمع مكثر ← الْمَعَابِد / الْكَبِير ← جمع مكثر ← الْكِبَار / كَتِف ← جمع مكثر ← أَكْتَاف

وَلَمَّا رَجَعَ النَّاسُ، شَاهَدُوا أَصْنَامَهُمْ مُكَسَّرَةً،

ترجمه کامل: و وقتی که مردم برگشتند، بت هایشان را شکسته دیدند.

متضاد: رَجَعَ ≠ ذَهَبَ، رَجَعَ إِلَى (رفت)

اسم مفعول: مُكَسَّرَةً (از باب تفعیل)

نقش کلمات

لَمَّا: ظرف / رَجَعَ: فعل / النَّاسُ: فاعل / شَاهَدُوا: فعل و فاعل / أَصْنَامَ: مفعول / هُم: مضاف الیه / مُكَسَّرَةً: حال (قید حالت در زبان فارسی)

ترجمه کلمات

لَمَّا: زمانی که، هنگامی که / رَجَعَ: برگشت / النَّاسُ: مردم / شَاهَدُوا: دیدند، مشاهده کردند / أَصْنَامَهُمْ: بت هایشان را / مُكَسَّرَةً: شکسته شده

واژه شناسی

مترادف: رَجَعَ = عَادَ / شَاهَدَ = رَأَى = زَارَ = نَظَرَ

و ظَنُّوا أَنَّ إِبْرَاهِيمَ ٱلْعَبْدُ هُوَ الْفَاعِلُ، فَأَخْضَرُوهُ لِلْمُحَاكَمَةِ وَ سَأَلُوهُ:

ترجمه کامل: و گمان کردند که ابراهیم (ع) همان انجام دهنده [این کار] است، پس او را برای محاکمه حاضر کردند و از او پرسیدند:

نقش کلمات

ظَنُّوا: فعل و فاعل / أَنَّ: حرف مشبهه بالفعل / أَخْضَرُوهُ: فعل و فاعل / ه: مفعول / لِلْمُحَاكَمَةِ: جار و مجرور / سَأَلُوهُ: فعل و فاعل / ه: مفعول

نقش کلمات

فعل «سَأَلَ - يَسْأَلُ» متعدی است که مفعول آن با حرف اضافه «از» ترجمه می شود:

مثال: سَأَلُوهُ ◀ از او پرسیدند

ترجمه کلمات

ظَنُّوا: گمان کردند / أَنَّ: که / الْفَاعِلُ: انجام دهنده / فَأَخْضَرُوهُ: او را حاضر کردند (آوردند) / لِلْمُحَاكَمَةِ: برای محاکمه / سَأَلُوهُ: از او پرسیدند

واژه شناسی

مترادف: أَخْضَرَ = جَلَبَ

متضاد: ظَنُّوا ≠ تَأَكَّدُوا، إِطْمَأْنَأُوا (مطمئن شد) / أَخْضَرَ ≠ أَرْسَلَ (فرستاد)

اسم فاعل: الْفَاعِلُ

الأنبياء: ۶۲

﴿... أَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِآلِهَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ﴾

ترجمه کامل: آیا تو این [کار] را با خدایانمان انجام دادی، ای ابراهیم؟

متضاد: فَعَلْتُ ≠ اِمْتَنَعْتُ (خودداری کردی)

ترجمه کلمات

أ: آیا / أَنْتَ فَعَلْتَ: تو انجام دادی / هَذَا: این را / بِآلِهَتِنَا: با خدایان ما

نقش کلمات

أَنْتَ: مبتدا / فَعَلْتَ: فعل و فاعل، خبر برای «أَنْتَ» / هَذَا: مفعول / بِآلِهَةٍ: جار و مجرور / نا: مضاف الیه

واژه شناسی

مترادف: فَعَلْتُ = عَمِلْتُ

﴿فَأَجَابَهُمْ: لِمَ تَسْأَلُونَنِي؟! إِسْأَلُوا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ﴾

ترجمه کامل: پس به آن‌ها پاسخ داد: چرا از من می‌پرسید؟! از بت بزرگ سؤال کنید.

نقش کلمات

أَجَابَ: فعل و فاعل / هُمْ: مفعول / لِمَ: جار و مجرور / تَسْأَلُونَنِي: فعل و فاعل («ن» دومی وقایه، وقتی فعلی به ضمیر «ی» متصل می‌شود، «ن» وقایه میان فعل و ضمیر واقع می‌شود.) / ي: مفعول / إِسْأَلُوا: فعل و فاعل / الصَّنَمَ: مفعول / الْكَبِيرَ: صفت

ترجمه کلمات

أَجَابَهُمْ: به آن‌ها پاسخ داد / لِمَ تَسْأَلُونَنِي?: چرا از من می‌پرسید؟ / إِسْأَلُوا: بپرسید / الصَّنَمَ الْكَبِيرَ: از بت بزرگ

واژه شناسی

متضاد: أَجَابَ ≠ سَأَلَ (سؤال کرد)

﴿بَدَأَ الْقَوْمُ يَتَهَامَسُونَ: «إِنَّ الصَّنَمَ لَا يَتَكَلَّمُ»

ترجمه کامل: مردم شروع به پیچ‌پیچ کردن کردند: «قطعاً بت سخن نمی‌گوید»

نقش کلمات

يَتَهَامَسُونَ: فعل و فاعل / إِنَّ: حرف مشبّه بالفعل / لَا يَتَكَلَّمُ: فعل و فاعل

ترجمه کلمات

بَدَأَ الْقَوْمُ يَتَهَامَسُونَ: قوم شروع به پیچ‌پیچ کردن کردند / إِنَّ الصَّنَمَ لَا يَتَكَلَّمُ: بی‌شک بت سخن نمی‌گوید

نقش کلمات

فعل مضارع بعد از «بَدَأَ» (که جزء افعال شروع است) معمولاً به شکل مصدر ترجمه می‌شود.

واژه شناسی

مترادف: يَتَكَلَّمُ = يُحَدِّثُ، يَكَلِّمُ

متضاد: بَدَأَ ≠ خَتَمَ (خاتمه داد، تمام کرد)

مثال: بَدَأَ الْقَوْمُ يَتَهَامَسُونَ ◀ مردم شروع به پیچ‌پیچ کردن کردند.

آموزش قواعد

حروف مشبّهه بالفعل و «لا»ی نفی جنس

حروف مشبّهه بالفعل

به حروف زیر، حروف مشبّهه بالفعل گفته می‌شود:

۱. إِنْ ۲. أَنْ ۳. كَأَنَّ
۴. لَكِنَّ ۵. لَيْتَ ۶. لَعَلَّ

این حروف دارای معانی مختلفی هستند که در ابتدای جمله اسمیه آمده و در آن جمله تغییر ایجاد می‌کنند.

مثال اَلتَّذَيُّنُ فِطْرِيٌّ فِي الْإِنْسَانِ. ← اِنْ التَّذَيُّنُ فِطْرِيٌّ فِي الْإِنْسَانِ.
دینداری در انسان فطری است. ← بی‌گمان دینداری در انسان فطری است.

همان‌طور که در مثال بالا مشاهده می‌کنید، جمله اول جمله‌ای اسمیه است که از مبتدا (التَّذَيُّنُ) و خبر (فِطْرِيٌّ) تشکیل شده است. امادر جمله دوم «إِنْ» در ابتدای جمله اسمیه آمده و در حرکت آخر کلمه «التَّذَيُّنُ» تغییر ایجاد کرده است. همچنین ترجمه آن نیز با تأکید «بی‌گمان» تغییر کرده است. معنا و کاربرد هر یک از این حروف به شرح زیر است:

۱. إِنْ

● به معنای «قطعاً، همانا، به درستی که، بی‌گمان و ...» است و جمله پس از خود را تأکید می‌کند و غالباً در اوّل جمله و بعد از «قَالَ» و مشتقات آن می‌آید. اگر در جمله‌ای [به غیر از آیات و احادیث] ترجمه نشود، اشکالی ندارد.

مثال ﴿...إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾

بی‌گمان خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند.

مثال ﴿...وَأَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَضْرِبٍ لَّعَدُوِّ﴾

و بی‌گمان خدا بر یاری آن‌ها تواناست.

مثال ﴿إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا...﴾

همانا (به درستی که) ما آن را قرآنی [به زبان] عربی قرار دادیم.

(در ابتدای جمله: إِنْ + نا)

مثال ﴿...قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُم بِنَهَرٍ...﴾

گفت: بی‌شک خداوند آزمایش‌کننده شما به وسیله رودخانه‌ای است.

توجه اگر «إِنْ» بعد از فعل طلب (امر و نهی) بیاید، معمولاً معنای «زیرا» می‌دهد.

مثال ﴿وَلَا يَخْرُجُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا...﴾

گفتارشان تو را نباید ناراحت کند؛ زیرا عزّت (ارجمندی)، همه از آن خداست.

۲. أَنْ

● به معنای «که» است و دو جمله را به هم پیوند می‌دهد که همان حرف ربط زبان فارسی است و غالباً در وسط جمله می‌آید.

مثال ﴿...قَالَ أَغْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾

گفت: می‌دانم که خدا بر هر چیزی تواناست.

مثال وَأَنْتَ تَعْلَمِينَ أَنَّ رَجُلِي تُؤْلِمُنِي. تو می‌دانی که پایم درد می‌کند.

مثال وَلَا أَظُنُّ أَنَّ هُنَاكَ كُتُبًا مُّكْرَرَةً.

و گمان نمی‌کنم که کتاب‌های تکراری وجود دارد (وجود داشته باشد).

توجه معمولاً «لَأَنَّ» به معنای «زیرا، برای اینکه» است و برای بیان علت به کار می‌رود.

مثال لِمَاذَا مَا سَافَرْتُ بِالطَّائِرَةِ؟ لِأَنَّ بِطَاقَةَ الطَّائِرَةِ غَالِيَةً.

چرا با هواپیما سفر نکردی؟ زیرا بلیت هواپیما گران است.

مثال لِمَاذَا يَبْكِي الْوَلَدُ؟ لِأَنَّهُ جَائِعٌ.

کودک برای چه گریه می‌کند؟ زیرا او گرسنه است.

۳. كَأَنَّ

● به معنای «گویی» و «مانند» است که «گویی» برای «گمان و

تصوّر» و «مانند» برای «تشبیه» به کار می‌رود.

مثال ﴿كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ﴾ آنان مانند یاقوت و مرجان‌اند.

فن ترجمه

فعل مضارع در جمله دارای «لَيْتَ / يَا لَيْتَ» و «لَعَلَّ» به صورت «مضارع التزامی» ترجمه می‌شود.

مثال يَا لَيْتَنِي أَذْهَبَ مَرَّةً أُخْرَى. ای کاش من بار دیگر بروم.

مثال لَعَلَّنِي أَصَافِرُ إِلَى مَدِينَةِ إِصْفَهَانَ غَدًا.

شاید من فردا به شهر اصفهان مسافرت کنم.

خلاصه مفاهیم حروف مشبّهه بالفعل:

الف) «إِنَّ» جملهٔ پس از خود را تأکید می‌کند و به معنای «قطعاً، بی‌شک، بی‌گمان و همانا...» است و معمولاً در اوّل جمله می‌آید.
ب) «أَنَّ» به معنای «که» است و دو جمله را به هم پیوند می‌دهد که همان حرف ربط فارسی است و معمولاً در وسط جمله می‌آید.
ج) «كَأَنَّ» به معنای «مانند» برای تشبیه و «گوی» برای گمان و تصوّر به کار می‌رود.

د) «لَئِنْ» به معنی «ولی» و برای کامل کردن پیام و برطرف کردن ابهام جملهٔ قبل از خودش است.

ه) «لَئِيتَ» به معنای «کاش» و بیانگر آرزوست و به صورت «یا لیت» ۴۷ هم به کار می‌رود. برای آرزویی که محال است و به دست آوردنش سخت است.

و) «لَعَلَّ» به معنای «شاید»، «امید است» می‌باشد و در مورد امری ممکن یا امید به تحقق امر ممکن به کار می‌رود.

نکته حرف آخر حروف مشبّهه بالفعل تشدید دارد (إِنَّ، أُنَّ، لَئِنْ، لَعَلَّ) به جز «لَئِيتَ» با حروف دیگر اشتباه نشود.

لا «ی» نفی جنس

● انواع «لا» و معنای آن‌ها در جمله به شرح زیر است:

۱ حرف جواب

● «لا» به معنای «نه» در پاسخ به «هَلْ»، «أَ» است:

مثال أَأَنْتَ مِنْ تَبْرِيزٍ؟ لا، أَنَا مِنْ مَازَنْدَرَانَ.

آیا تو از [اهل] تبریز هستی؟ نه، من از مازندران هستم.

۲ حرف نفی مضارع

● بر سر فعل مضارع می‌آید، به صورت مضارع اخباری منفی، ترجمه می‌گردد و تغییری در آخر فعل ایجاد نمی‌کند.

مثال كَأَنَّ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرَكُ.

گوی خشنود ساختن همهٔ مردم، هدفی است که به دست آورده نمی‌شود.

﴿... كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوفٌ﴾ گویی آن‌ها، ساختمانی استوارند.

۴ لَئِنْ

● به معنای «ولی» است و برای کامل کردن پیام و برطرف کردن ابهام جملهٔ قبل از خودش به کار می‌رود.

مثال ﴿... إِنَّ اللَّهَ لَنَدُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَئِنْ أَكْثَرَ النَّاسُ لَا يَشْكُرُونَ﴾

بی‌گمان خدا دارای بخشش بر مردم است، ولی بیشتر مردم سپاسگزاری نمی‌کنند.

مثال ﴿فَهَذَا يَوْمُ الْبُعْثِ وَلَكِنِّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾

و این، روز رستاخیز است ولی شما نمی‌دانستید.

مثال حَضَرَ الشَّيَاحَ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ؛ لَئِنْ الدَّلِيلَ لَمْ يَخْضُرْ.

گردشگران در سالن فرودگاه حاضر شدند، ولی راهنما حاضر نشد.

۵ لَئِيتَ

● به معنای «کاش» و بیانگر آرزوست و به صورت «یا لَئِيتَ: ای کاش» نیز به کار می‌رود.

توجه اگر «یاء متکلم» به «لَئِيتَ» وصل شود، به صورت «لَئِيتَنِي» (همراه با «ن» و قایه) نوشته می‌شود.

مثال ﴿وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَئِيتَنِي كُنْتُ ثَرِيًّا﴾

و کافر می‌گوید: ای کاش من خاک بودم!

مثال ﴿قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَئِيتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ...﴾

[به او] گفته شد: وارد بهشت شو؛ گفت: ای کاش قوم من بدانند.

مثال تَمَنَّيَ الْمَزَارِعُ: «لَئِيتَ الْمَطَرُ يُنْزِلُ كَثِيرًا».

کشاورز آرزو کرد: «کاش باران بسیار ببارد».

۶ لَعَلَّ

● به معنای «شاید» و «امید است» می‌باشد و در مورد امری ممکن یا امید به تحقق امری، به کار می‌رود.

مثال ﴿إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾

بی‌گمان ما قرآن را به زبان عربی قرار دادیم امید است شما خردورزی کنید.

مثال ﴿لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُخْدِتُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا﴾

نمی‌دانی، شاید خدا پس از آن، پیشامدی پدید آورد.

مثال یَكْتُبُ : می نویسد ← لَا یَكْتُبُ : نمی نویسد

مثال یَكْتُبُونَ : می نویسند ← لَا یَكْتُبُونَ : نمی نویسند

مثال ﴿ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴾ بی گمان خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی کند.

۳ حرف نهی مضارع

۱- حرف نهی مضارع پیش از صیغه های مخاطب (دوم شخص):

● «لَا» بر سر فعل مضارع از صیغه های مخاطب (دوم شخص) می آید و به صورت نهی (امر منفی) ترجمه می شود و آخر فعل مضارع را تغییر می دهد («ضَمَّهُ» را به «سکون» و نون آخر فعل مضارع (به جز صیغه های جمع مؤنث) را حذف می کند.

مثال تَكْتُبُ : می نویسی ← لَا تَكْتُبُ : ننویس

مثال تَكْتُبُونَ : می نویسید ← لَا تَكْتُبُوا : ننویسید

۲- حرف نهی مضارع پیش از صیغه های غایب (سوم شخص) و متکلم (اول شخص):

● اگر «لَا» ی نهی بر سر شش صیغه غایب (سوم شخص) و دو صیغه متکلم (اول شخص) بیاید، معنای «نباید» می دهد و فعل مضارع به صورت مضارع التزامی ترجمه می شود.

مثال یَكْتُبُ : می نویسد ← لَا یَكْتُبُ : نباید بنویسد (ننویسد)

مثال یَكْتُبُونَ : می نویسند ← لَا یَكْتُبُوا : نباید بنویسند

مثال تَكْتُبُ : می نویسیم ← لَا تَكْتُبُ : نباید بنویسیم

یادداشت:

کنه

اگر بعد از منادی (یا/ أَيْهَا / أَيْتَهَا) یا «رَبَّ»: [ای] پروردگارم فعل مضارع با حرف «لَا» باشد، معمولاً حرف «نهی» است.

مثال ﴿... رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ...﴾ [ای] پروردگار

ما، آنچه را هیچ توانی نسبت به آن نداریم بر ما تحمیل نکن.

مثال أَيْتَهَا النَّسَاءُ، لَا تَرْجِعْنَ إِلَى السُّوقِ فَإِنَّ الْمَطَرَ شَدِيدٌ جَدًّا.

ای زنان، به بازار باز نگردید زیرا باران بسیار زیاد است.

۴ حرف نفی جنس

● به معنای «هیچ ... نیست»، بدون فاصله بر سر اسم می آید و آن اسم «آل» یا «تنوین» نمی گیرد، بلکه غالباً حرکت آخر فتحه (ـَ) است و به صورت «ی» نکره ترجمه می گردد.

● ساختار:

«لَا» ی نفی جنس = هیچ + اسم نکره + نیست

مثال لَا كُتْرَ أَغْنَى مِنَ الْقَنَاعَةِ.

هیچ گنجی بی نیازکننده تر از قناعت نیست.

مثال لَا فَقْرَ أَشَدَّ مِنَ الْجَهْلِ.

هیچ فقری سخت تر از نادانی نیست.

مثال ﴿ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا ﴾ جز آنچه به ما آموخته ای، هیچ

دانشی نداریم. (برای ما نیست).

تمرین های کتاب درسی

التمرین الأول

أي كلمة من كلمات مُعْجَم الدُّرْسِ تُناسِبُ التَّوضِيحاتِ التَّالِيَةِ؟ [کدام کلمه از کلمات واژه‌نامه درس مناسب توضیحات زیر است؟]

١ آله ذات يَدٍ مِنَ الخَشَبِ وَ سَبَّ عَرِيضَةً مِنَ الحديدِ يُقَطَّعُ بِهَا.

٢ تِمثالٌ مِنَ حَجَرٍ أَوْ خَشَبٍ أَوْ حَدِيدٍ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ.

٣ عُضْوٌ مِنْ أَعْضاءِ الجِسمِ يَقَعُ أَعْلَى الجُدْعِ.

٤ التَّارِكُ لِلْباطِلِ وَ الْمُتَمائِلُ إِلَى الدِّينِ الْحَقِّ.

٥ إِنَّهُمْ يَدْعُوا يُتَكَلَّمُونَ بِكَلَامٍ خَفِيٍّ.

پاسخ: ١ أَلْفَأْسُ: تبر ٢ الصُّنَمُ: بُت ٣ الْكَيْفُ: شانه ٤ الْخَنيفُ: یکتاپرست ٥ يَدْعُوا يَتَهَامَسُونَ: شروع به پیچ کردن کردند

التمرین الثاني

تَرْجِمِ العِبَارَاتِ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الحَرْفَ المُشَبَّهَ بِالفِعْلِ وَ لَا التَّائِيَةَ لِلْجِنْسِ. [عبارات زیر را ترجمه کن سپس حرف مشبّه بالفعل و لای نفی جنس را مشخص کن.]

١ ﴿ قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قُومِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ ﴾ (یس: ٢٦ و ٢٧)

[به او گفته شد: وارد بهشت شو؛ گفت: ای کاش قوم من بدانند که پروردگارم [چگونه] مرا آمرزید و مرا از گرامی شدگان قرار داد.]

٢ ﴿ ... لَا تَخْزَنُ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا ... ﴾ (التَّوْبَةُ: ٤٠) ناراحت نباش زیرا خدا با ماست.

٣ ﴿ ... لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ... ﴾ (الْأَصْفَاتُ: ٣٥) هیچ معبودی جز خدا نیست.

٤ لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ. (رَسُولُ اللَّهِ (ص)) کسی که هیچ [وفای به] عهدی ندارد، هیچ دینی ندارد.

٥ إِنَّ مِنْ السُّنَّةِ أَنْ يُخْرِجَ الرَّجُلُ مَعَ صَيفِهِ إِلَى بَابِ الدَّارِ. (رَسُولُ اللَّهِ (ص)) از سنت [پیامبر] است که شخص همراه مهمانش تا در خانه برود.

پاسخ: ١ لَيْتَ: حرف مشبّه بالفعل ٢ إِنَّ: حرف مشبّه بالفعل ٣ لَا: لای نفی جنس ٤ هَر دُو «لا»: لای نفی جنس ٥ إِنَّ: حرف

مشبّه بالفعل

التمرین الثالث

الف) اقْرَأ الشَّعْرَ الْمُنْسُوبَ إِلَى الْإِمَامِ عَلِيِّ (ع)، ثُمَّ عَيِّنِ تَرْجَمَةَ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَظٌّ. [شعر منسوب (نسبت داده شده) به امام علی (ع) را بخوان سپس ترجمه کلماتی را که زیرشان خط است، مشخص کن.]

إِنَّمَا التَّاسُ لِأُمِّ وَ لِأَبٍ
از یک پدر

أُمُّ حَدِيدٍ أَمْ نُحَاسٍ أَمْ ذَهَبٍ
مس

أَيُّهَا الْفَاحِشُ جَهْلًا بِالنَّسَبِ
به دودمان

هَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ فِطَّةٍ
آنان را می‌بینی (می‌پنداری)

نمونه سوالات نهایی درس اول

ردیف	واژه‌شناسی
الف	تَرْجِمَ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ:
۱- لا كُنْزَ أَغْنَىٰ مِنَ الْقَنَاعَةِ.	دی ۱۴۰۳
۲- عَلَّقَ إِبْرَاهِيمُ (ع) الْفَأْسَ عَلَى كَتِفِ الصَّنَمِ.	شهریور ۱۴۰۳
۳- أَخْضَرَ الْقَوْمُ إِبْرَاهِيمَ (ع).	خرداد ۱۴۰۳
۴- الْأُمُّ كَانَتْ تَحْمِي طَائِرًا مَجْرُوحًا.	دی ۱۴۰۲
۵- إِلَهِي! اجْعَلِ التَّوْفِيقَ خَطِّي فِي الْحَيَاةِ.	شهریور ۱۴۰۲
۶- التَّمَاثِيلُ تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالذِّينِ.	خرداد خارج ۱۴۰۲
۷- الْكِتَابَاتُ وَ النَّقُوشُ تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالذِّينِ.	دی خارج ۱۴۰۱
۸- قَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ عَنْ صِرَاعِ الْأَنْبِيَاءِ مَعَ الْكَافِرِينَ.	دی ۱۴۰۱
۹- ﴿أَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا﴾	خرداد خارج ۱۴۰۰
۱۰- ﴿... كَانَهُمْ بَنِيَانٌ مَّرْصُوصٌ﴾	خرداد خارج ۱۴۰۱
۱۱- عِبَادَتُهُ وَ شَعَائِرُهُ كَانَتْ خُرَافِيَّةً.	خرداد و دی ۱۴۰۰ - شهریور ۹۸ - شهریور خارج ۹۸
۱۲- ﴿قَالُوا خَرِّقُوهُ وَ انْضُرُوا آلِهَتَكُمْ﴾	دی خارج ۱۴۰۰ - خرداد خارج ۱۴۰۰
۱۳- إِنَّ الْعَصَبَ مَفْسُدَةٌ.	خرداد ۹۹
۱۴- عِنْدَمَا يَتَأَكَّدُ الطَّاغُوتُ مِنْ خِدَاعِ الْعَدُوِّ.	خرداد خارج ۹۹
۱۵- كَسَرَ إِبْرَاهِيمَ (ع) جَمِيعَ الْأَصْنَامِ.	شهریور ۹۹
۱۶- اِمْلَأِ الصَّدْرَ انْشِرَاحًا.	دی خارج ۹۹ - دی خارج ۹۸
۱۷- أَتَقَدَّ إِبْرَاهِيمُ (ع) قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ.	دی خارج ۱۴۰۰ - خرداد ۹۸
۱۸- لَا يَسْرُكُ اللَّهُ الْإِنْسَانَ سُدًى.	خرداد خارج ۹۸
۱۹- أَتَقَدَّ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ (ع) مِنَ التَّارِ.	دی ۹۸
۲۰- عَلَّقَ الْفَأْسَ عَلَى كَتِفِهِ.	دی ۹۷
۲۱- قَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ عَنْ سِيَرَةِ الْأَنْبِيَاءِ.	شهریور ۱۴۰۰

ب. عَيْنِ الْمُضَادَّةِ وَ الْمُتَرَادِفِ:

- ۲۲- اَنَا وَاثِقٌ فِي حَيَاتِي بِأَنَّ السَّلَامَ لَا يُسَبِّبُ الْعَدَاوَةَ بَيْنَ النَّاسِ.
الصَّرَاعُ ≠
- ۲۳- الْكَتِفُ مِنْ أَعْضَاءِ الْجِسْمِ يَقَعُ أَعْلَى الْجِدْعِ.
أَسْفَلُ ≠
- ۲۴- الظُّهُور - الْخَنِيف - التَّرَاع - الْمُتَوَر - الْمُوحَّد - السَّلَم (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ)
(الف) (..... =)
(ب) (..... ≠)
- ۲۵- نَصَرَ - السَّلَم - أَعَانَ - الصَّرَاع - مَفْسَدَةً (كَلِمَةٌ زَائِدَةٌ)
(الف) (..... =)
(ب) (..... ≠)
- ۲۶- الْخَيْر - الْعَصَب - الشَّر - الْحَبِيب - الْمَفْسَدَةُ - الصَّدِيق (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ)
(الف) (..... =)
(ب) (..... ≠)
- ۲۷- الصَّرَاع - الذَّار - الْفَلَّاح - الْمَزَارِع - السَّلَم - الْمَزَارِع (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ)
(الف) (..... =)
(ب) (..... ≠)

ج. عَيْنِ الْكَلِمَةِ الْغَرِيبَةِ فِي الْمَعْنَى:

- ۲۸- (۱) اللُّحُوم (۲) الْعِظَام (۳) الْأَعْيُن (۴) الْخُطُوط
- ۲۹- (۱) الرِّجُل (۲) الْإِمْرَأَةُ (۳) الرَّأْس (۴) الْكَتِف
- ۳۰- (۱) الْأَخْدِيدُ (۲) النَّحَاسُ (۳) الرَّجَاجُ (۴) الذَّهَبُ
- ۳۱- (۱) النَّقُوشُ (۲) الرُّسُومُ (۳) الْكِتَابَاتُ (۴) الْأَقْوَامُ
- ۳۲- (۱) الْفِصَّةُ (۲) الطَّيْنَةُ (۳) الذَّهَبُ (۴) النَّحَاسُ
- ۳۳- (۱) الْفِصَّةُ (۲) النَّحَاسُ (۳) الذَّهَبُ (۴) الصَّنِيفُ

د. اُكْتُبْ مُفْرَدَةً أَوْ جَمْعَ الْكَلِمَاتِ:

- ۳۴- جَمْعُ كَلِمَةِ «الْأَنْشُودَةُ»:
- ۳۵- جَمْعُ كَلِمَةِ «الْفَرِيسَةُ»:
- ۳۶- الْفَقِيرُ «جمع»:
- ۳۷- الصَّنَمُ «جمع»:
- ۳۸- خُذُوا الْحَقَّ مِنْ أَهْلِ الْبَاطِلِ وَلَا تَأْخُذُوا الْبَاطِلَ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ كَوْنُوا نَقَاةَ الْكَلَامِ.
- ۳۹- كَسَّرَ إِبْرَاهِيمُ (ع) جَمِيعَ الْأَصْنَامِ فِي الْمَعْبَدِ.
- ۴۰- عَلَّقَ الْفَأْسُ عَلَى كَتِفِ الصَّنَمِ.
- ۴۱- عَلَّقَ الْفَأْسُ عَلَى كَتِفِهِ.
- ۴۲- حَمَلَ النَّاسُ الْقَرَابِينَ عَلَى كَتِفِهِمْ لِيُقَدِّمُوها إِلَى الْأَلَهَةِ.

۵

انتخب الجواب الصحيح:

۴۳- جمع «العظم»: خرداد ۹۹ - آذر ۱۴۰۱

(۱) العظام (۲) العظماء (۳) الأعظم

۴۴- مفرد «العصور»: شهریور ۹۹

(۱) العصر (۲) العصرة (۳) العصور

۹

انتخب الكلمة المناسبة للتوضيحات التالية:

۴۵- شَخْصٌ لَا يَقُومُ بِأَدَاءِ وَاجِبَاتِهِ. خرداد ۱۴۰۳

(۱) الخفيف (۲) المصلح (۳) الكسول

۴۶- يَكُونُ بِإِلْفَائِدَةٍ. دی ۱۴۰۲

(۱) الخط (۲) الذاء (۳) الصنعة (۴) السدى

۴۷- تَمَثَّلُ مِنَ الْخَجَرِ أَوْ الْخَشَبِ أَوْ الْحَدِيدِ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ. خرداد ۹۹

(۱) الفأس (۲) الصنم (۳) التَّجَنُّبُ

ترجمه

ز

ترجم الآيات و العبارات إلى الفارسية:

ترجمه‌های مربوط به عبارات «متن درس»

۴۸- كَانَ الْإِنْسَانُ يَعْرِفُ الْحَضَارَاتِ مِنْ خِلَالِ الْكِتَابَاتِ وَ التَّقْوِشِ. شهریور ۱۴۰۳

۴۹- لَا حَضَارَةَ إِلَّا وَ فِيهَا شَعَائِرُ دِينِيَّةٌ. خرداد ۱۴۰۳

۵۰- عِنْدَمَا يَزْجَعُ النَّاسُ يُشَاهِدُونَ أَصْنَامَهُمُ الْمَكْسَرَةَ. دی ۱۴۰۲

۵۱- لَمَّا شَاهَدَ النَّاسُ أَصْنَامَهُمُ الْمَكْسَرَةَ، أَخْضَرُوا إِبْرَاهِيمَ (ع) لِلْمُحَاكَمَةِ. شهریور ۱۴۰۲

۵۲- قَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ عَنْ سِيرَةِ الْأَنْبِيَاءِ (ع) وَ صِرَاعِهِمْ مَعَ أَقْوَامِهِمُ الْكَافِرِينَ. خرداد ۱۴۰۲ - دی ۱۴۰۰ - شهریور ۹۹

۵۳- الْكِتَابَاتُ وَ التَّقْوِشُ تَدُلُّ عَلَى أَنَّ الدِّينَ فُطْرِيٌّ فِي وُجُودِ الْإِنْسَانِ. دی ۱۴۰۱

۵۴- ﴿وَ أَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا﴾ دی خارج ۱۴۰۰ - خرداد ۱۴۰۰

۵۵- ﴿... أَ أَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِأَلْهَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ﴾ خرداد و دی ۱۴۰۰

۵۶- ﴿قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ﴾ دی خارج ۱۴۰۰ - خرداد ۱۴۰۰ - شهریور ۹۹ - دی ۹۷

۵۷- لَا شَعْبَ مِنْ شُعُوبِ الْأَرْضِ إِلَّا وَ كَانَ لَهُ دِينٌ وَ طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ. دی خارج ۱۴۰۰ - خرداد ۱۴۰۰

۵۸- كَانَ تَقْدِيمُ الْقَرَابِينَ لِلْأَصْنَامِ لِتَجَنُّبِ شَرِّهَا. دی خارج ۱۴۰۰ - خرداد خارج ۱۴۰۰

۵۹- ﴿أَيُخْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُشْرِكَ سُدًى﴾ دی خارج ۱۴۰۰ - شهریور ۱۴۰۰ - خرداد و شهریور ۹۹

۶۰- الْأَثَارُ الْقَدِيمَةُ تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِاللَّذِينَ. شهریور ۱۴۰۰

۶۱- فِي أَخَذِ الْأَعْيَادِ لَمَّا خَرَجَ قَوْمُهُ مِنْ مَدِينَتِهِمْ، بَقِيَ إِبْرَاهِيمُ (ع) وَحِيدًا. دی خارج ۱۴۰۰ - شهریور ۱۴۰۰

۶۲- إِزْدَادَتْ هَذِهِ الْخُرَافَاتُ فِي أَدْيَانِ النَّاسِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ. آذر ۱۴۰۱ - دی ۱۴۰۰

آذر ۱۴۰۱ - خرداد ۱۴۰۱ - خرداد ۹۹ - خرداد خارج ۹۹ - شهریور ۹۸	۶۳- إِبْرَاهِيمُ الْخَلِيلُ (ع) حَافِلٌ أَنْ يُنْقَذَ قَوْمُهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ.
آذر ۱۴۰۱ - دی ۱۴۰۰ - خرداد خارج ۹۸ - دی خارج ۹۸	۶۴- بَدَأَ الْقَوْمُ يَتَهَامِسُونَ: «إِنَّ الصَّنَمَ لَا يَتَكَلَّمُ وَ يَقْصِدُ إِبْرَاهِيمُ الْإِسْتِهْزَاءَ بِأَصْنَانِمَا».
آذر ۱۴۰۱ - دی ۱۴۰۰ - دی خارج ۹۹	۶۵- أَرْسَلَ اللَّهُ الْأَنْبِيَاءَ لِيُنَبِّتُوا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ وَ الَّذِينَ الْحَقُّ.
خرداد ۹۸	۶۶- ثُمَّ عَلَّقَ الْفَأْسَ عَلَى كَيْفِهِ وَ تَرَكَ الْمَغْبَدَ.
خرداد ۹۸	۶۷- الْحَضَارَاتُ الْقَدِيمَةُ تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالذِّينِ.
دی ۹۸ - دی خارج ۹۸	۶۸- كَسَّرَ إِبْرَاهِيمُ (ع) جَمِيعَ الْأَصْنَامِ فِي الْمَغْبَدِ إِلَّا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ.
خرداد خارج ۱۴۰۰ - خرداد خارج ۱۴۰۱	۶۹- لَمَّا شَاهَدَ النَّاسُ أَصْنَامَهُمْ مُكَسَّرَةً، ظَنُّوا أَنَّ إِبْرَاهِيمَ (ع) هُوَ الْفَاعِلُ.
شهریور ۱۴۰۱	۷۰- أَخْضَرُوا إِبْرَاهِيمَ (ع) فَقَذَفُوهُ فِي النَّارِ، ثُمَّ أَنْقَذَهُ اللَّهُ مِنْهَا.
آذر ۱۴۰۱	۷۱- بَقِيَ إِبْرَاهِيمَ وَحِيداً فَحَمَلَ فَأْساً وَ كَسَّرَ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ فِي الْمَغْبَدِ.
	ترجمه‌های مربوط به عبارات «اعلموا» و «اختبر نفسك»
دی ۱۴۰۳	۷۲- ﴿وَلَا يَخْزُنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً...﴾
شهریور ۱۴۰۳	۷۳- ﴿...إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾
دی ۹۸ - خرداد ۱۴۰۳	۷۴- كَأَنَّ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةً لَا تُدْرِكُ بِسُهُولَةٍ.
دی ۱۴۰۲	۷۵- ﴿إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾
شهریور ۱۴۰۲	۷۶- ﴿... رَبَّنَا وَ لَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا ...﴾
خرداد خارج ۹۹	۷۷- لَا فَتْرَ كَالْجَهْلِ وَ لَا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ.
دی ۱۴۰۱ - شهریور ۹۹	۷۸- لَا خَيْرَ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ الْفِعْلِ.
دی ۹۹	۷۹- ﴿فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَ لَكِنِّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾
دی خارج ۹۹	۸۰- ﴿... هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ...﴾
خرداد ۹۸	۸۱- ﴿لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا ...﴾
شهریور ۹۸	۸۲- ﴿وَقَالَ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَاباً﴾
دی ۹۸ - دی خارج ۹۸	۸۳- لَا لِبَاسٍ أَجْمَلُ مِنَ الْعَافِيَةِ.
	ترجمه‌های مربوط به عبارات «تمارین»
دی ۱۴۰۳	۸۴- لَيْتَ الْمُسْلِمِينَ يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يُنِيرُ قُلُوبَهُمْ.
دی ۱۴۰۳	۸۵- لَا عِبَادَةَ مِثْلَ التَّفَكُّرِ.
خرداد ۱۴۰۳	۸۶- الْأَصْنَامُ تَمَازِيلُ مِنَ الْخَشَبِ أَوْ الْحَدِيدِ تُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ.
دی ۱۴۰۲	۸۷- الطَّائِرُ قَدْ تَأَكَّدَ مِنْ خِدَاعِ الْعَدُوِّ.
دی ۱۴۰۲ - خرداد ۱۴۰۱	۸۸- لَا فَتْرَ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ وَ لَا عِبَادَةَ مِثْلَ التَّفَكُّرِ.

قواعد

ی) تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ:

۱۴۰- كَتَبَ (نوشت)

(الف) سَوْفَ يَكْتُبُ مُحَمَّدٌ ذِكْرِيَّاتِهِ.

(ب) لَا تَكْتُبُوا شَيْئاً عَلَى الشَّجَرَةِ.

شهریور ۱۴۰۳

۱۴۱- سَأَلَ (سؤال کرد)

(الف) أَنْتُمْ لَمْ تَسْأَلُونِي؟

(ب) سِئِلَ الْمَدِيرُ: أَفِي الْمَدْرَسَةِ طَالِبٌ؟

خرداد ۱۴۰۲

۱۴۲- اجْتَهَدَ (تلاش کرد)

(الف) الطَّلَابُ قَدْ يَجْتَهِدُونَ فِي الصَّفِّ:

(ب) هِيَ لَمْ تَجْتَهِدْ فِي دُرُوسِهَا:

خرداد ۱۴۰۲

۱۴۳- أَكْرَمَ (گرامی داشت)

(الف) أَكْرَمُوا الشُّهَدَاءَ:

(ب) لِنُكْرِمُ وَالِدَيْنَا:

خرداد ۱۴۰۲

۱۴۴- عَفَرَ (آمرزید)

(الف) لَا يُعْفَرُ الْمُخْطِئُ: (ب) قَدْ عَفَرَ اللَّهُ عَبْدَهُ: (ج) اللَّهُ هُوَ الْعَفَّارُ:

دی ۱۴۰۰

۱۴۵- جَلَسَ (نشست)

(الف) كَانَ يَجْلِسُ عَلَى الْأَرْضِ:

(ب) هُمْ سَوْفَ يَجْلِسُونَ:

خرداد ۱۴۰۰

(ج) هِيَ جَلَسَتْ هُنَاكَ:

۱۴۶- عَفَرَ (آمرزید)

(الف) الْمَغْفُورُ:

(ب) الْعَفَّارُ:

دی ۹۹

۱۴۷- اسْتَعْفَرَ (آمرزش خواست)

(الف) أَيُّهَا النَّاسُ: اسْتَغْفِرُوا لِنُؤُوبِكُمْ:

(ب) لَيْتَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ لِنُؤُوبِهِمْ:

خرداد ۹۸

۱۴۸- قَطَعَ (ترید)

(الف) كَانُوا يَقْطَعُونَ:

(ب) لَا نَقْطَعُ:

شهریور ۹۸

۱۴۹- أَجْلَسَ (نشاند)

(الف) لِمَاذَا لَا تُجْلِسِينَ الْأَطْفَالَ:

(ب) هُمْ لَمْ يَجْلِسُوا التَّلَامِيذَ:

دی ۹۸

ک) اِنْتِخِبِ الْفِعْلَ الْمُنَاسِبَ لِلْفَرَاغِ:

۱۵۰- الْخَضَارَاتُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالَّذِينَ.

(۳) تُؤَكِّدُ

(۲) أَكَّدَ

(۱) يُؤَكِّدُ

خرداد ۱۴۰۲

۱۵۱- شَبَابُنَا عَلَّمَ إِيْرَانَ فِي الْمُبَارَاةِ.

(۳) رَفَعَ

(۲) رَفَعَتْ

(۱) رَفَعُوا

خرداد ۱۴۰۲

۱۵۲- الْأَثَارُ الْقَدِيمَةُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالَّذِينَ.

(۳) تُؤَكِّدُ

(۲) يُؤَكِّدُونَ

(۱) تُؤَكِّدُ

خرداد ۱۴۰۲

ل) اِبْحَثْ عَنْ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ فِي الْجُمْلِ: (اسم المكان - اسم التفضيل - اسم المبالغة - اسم المفعول - اسم الفاعل)

- ۱۵۳- عَلَّقَ إِبْرَاهِيمُ (ع) الْفَأْسَ عَلَى كَتِفِ أَكْبَرِ الْأَصْنَامِ فِي الْمَغْبَدِ. خرداد ۱۴۰۱
- ۱۵۴- عَلَّقَ إِبْرَاهِيمُ (ع) الْفَأْسَ عَلَى كَتِفِ أَصْغَرِ الْأَصْنَامِ. شهریور ۹۹
- ۱۵۵- ﴿... يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ﴾ شهریور ۱۴۰۳ - خرداد ۱۴۰۰ - خرداد خارج ۹۸ - خرداد خارج ۱۴۰۰
- ۱۵۶- عِنْدَمَا يَرَى حَيَوَانًا مُفْتَرِسًا قُرْبَ عَشِيَّتِهِ، يَتَظَاهَرُ بِأَنَّهُ جَنَاحُهُ مَكْسُورٌ. دی ۹۹

م) تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ:

- ۱۵۷- لَاسَوْءَ أَشْوَءُ مِنَ الْكَذِبِ. شهریور ۱۴۰۲
- ۱۵۸- يَا إِلَهِي يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ. خرداد خارج ۱۴۰۰
- ۱۵۹- ﴿... كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ﴾ خرداد خارج ۱۴۰۲ - شهریور ۹۹
- ۱۶۰- أَحْسَنُ الْحَسَنِ الْخُلُقُ الْحَسَنُ. خرداد خارج ۱۴۰۰
- ۱۶۱- شَاهَدُوا أَصْنَامَهُمْ مُكْسَرَةً. تیر ۹۸ - شهریور ۱۴۰۰
- ۱۶۲- لَا لِبَاسٍ أَجْمَلُ مِنَ الْعَافِيَةِ. خرداد خارج ۹۹
- ۱۶۳- طَلَبَ الْحَاجَّةُ مِنْ غَيْرِ أَهْلِهَا أَشَدُّ مِنَ الْمَوْتِ. شهریور ۹۹
- ۱۶۴- تَمَتَّى الْمَزَارُ: لَيْتَ الْمَطَرُ يَنْزِلُ! دی خارج ۱۴۰۰ - دی خارج ۹۹
- ۱۶۵- عَلَّقَ إِبْرَاهِيمُ (ع) الْفَأْسَ عَلَى كَتِفِ أَصْغَرِ الْأَصْنَامِ. خرداد خارج ۹۸
- ۱۶۶- ﴿... إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾ شهریور ۹۸
- ۱۶۷- اللَّهُ هُوَ الْغَفَّارُ. دی ۱۴۰۰

ن) عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ:

- ۱۶۸- رَجَعَ النَّاسُ وَشَاهَدُوا أَصْنَامَهُمُ الْمَكْسَرَةَ فِي الْمَعْبَدِ. شهریور ۱۴۰۳
- ۱۶۹- ﴿وَلَا يَخْزُنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا...﴾ دی ۱۴۰۲
- ۱۷۰- النَّاسُ شَاهَدُوا أَصْنَامَهُمْ مُكْسَرَةً. خرداد خارج ۱۴۰۲
- ۱۷۱- حَاوَلَ إِبْرَاهِيمُ (ع) أَنْ يُنْقِذَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ. شهریور ۱۴۰۲
- ۱۷۲- الْهَدَفُ مِنْ تَقْدِيمِ الْقَرَابِينَ لِلْآلِهَةِ تَجَنُّبُ شَرِّهَا. خرداد ۱۴۰۲
- ۱۷۳- لَا تَأْخُذُوا الْبَاطِلَ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ. دی ۱۴۰۱
- ۱۷۴- حَضَرَ الْمُسَافِرُ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ. خرداد ۱۴۰۱
- ۱۷۵- وَقَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ عَنْ سِيَرَةِ الْأَنْبِيَاءِ (ع). خرداد خارج ۱۴۰۱
- ۱۷۶- إِنَّمَا يُقْصِدُ إِبْرَاهِيمُ (ع) الْإِسْتِهْزَاءَ بِأَصْنَامِنَا. خرداد خارج ۱۴۰۰
- ۱۷۷- أَحْسَنُ الْحَسَنِ الْخُلُقُ الْحَسَنُ. آذر ۱۴۰۱

۱۷۸- الآثارُ القديمةُ تُؤكِّدُ اِهْتِمَامَ الإنسانِ بِالدينِ.	خرداد ۱۴۰۰ - آذر ۱۴۰۱
۱۷۹- يَرى الطَّائِرُ الذَّكِيَّ حَيَواناً مُفْتَرِساً.	شهریور ۱۴۰۰
۱۸۰- يَتَّبِعُ الحَيَوانُ طائِراً في غُشِّهِ.	دی ۱۴۰۰
۱۸۱- لا يَرْحَمُ اللهُ مَنْ لا يَرْحَمُ النَّاسَ.	خرداد و دی ۹۹
۱۸۲- عَلَّقَ إِبْرَاهِيمُ (ع) الفَأْسَ عَلَى كَتِفِ أَصْغَرِ الْأَصْنَامِ.	شهریور ۹۸
۱۸۳- بَقِيَ إِبْرَاهِيمُ (ع) وَحِيداً فَحَمَلَ فَأْسَهُ وَ كَسَرَ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ فِي المَغْبَدِ.	شهریور خارج ۹۸

س

عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ وَ المَحَلِّ الإِعْرَابِيِّ:

۱۸۴- «كَسَرَ إِبْرَاهِيمُ (ع) جَمِيعَ الْأَصْنَامِ فِي المَغْبَدِ.»	خرداد خارج ۱۴۰۲
الف) كَسَرَ:	
○ (۱) فَعْلٌ ماضٍ ، مَفْرَدٌ، مَذَكَّرٌ، مَجْهُولٌ	○ (۲) فَعْلٌ ماضٍ، مَفْرَدٌ، مَذَكَّرٌ، مَعْلُومٌ
ب) المَغْبَدِ:	
○ (۱) إِسْمٌ، مَفْرَدٌ، مَذَكَّرٌ، مُعَرَّفٌ بِأَلْ / مضافٌ إليه	○ (۲) اِسْمٌ مَكَانٍ، مَفْرَدٌ، مُعَرَّفٌ بِأَلْ / مَجْرُورٌ بِحَرْفِ جَزْ
۱۸۵- إِبْرَاهِيمُ (ع) كَسَرَ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ فِي المَغْبَدِ.	دی ۱۴۰۱
الف) كَسَرَ:	
○ (۱) فَعْلٌ ماضٍ - مَعْلُومٌ / خَبِرٌ	○ (۲) فَعْلٌ أمرٍ - مَعْلُومٌ / فاعِلٌ
ب) المَغْبَدِ:	
○ (۱) اِسْمٌ - مَفْرَدٌ - مَذَكَّرٌ - نَكْرَةٌ / مضافٌ إليه	○ (۲) اِسْمٌ - مَفْرَدٌ - مَذَكَّرٌ - اِسْمٌ مَكَانٍ / مَجْرُورٌ بِحَرْفِ جَزْ
۱۸۶- تَمَتَّى المَزَارِعُ: لَيْتَ المَطَرُ يَنْزِلُ كَثِيراً!	خرداد خارج ۱۴۰۰
○ (۱) اِسْمٌ، جَمْعُ التَّكْسِيرِ (مَفْرَدَةُ المَزْرَعَةِ)، اِسْمٌ المَكَانِ، المَعْرُوفُ بِأَلْ / فاعِلٌ	
○ (۲) اِسْمٌ، مَفْرَدٌ، مَذَكَّرٌ، اِسْمُ الفاعِلِ، المَعْرُوفُ بِأَلْ / فاعِلٌ	
○ (۳) اِسْمٌ، مَذَكَّرٌ، اِسْمُ الفاعِلِ مِنْ «زَرَعَ» / خَبِرٌ	
۱۸۷- كَسَرَ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ فِي المَغْبَدِ إِلَّا الصَّنَمَ الكَبِيرَ.	خرداد خارج ۹۸
○ (۱) اِسْمُ الفاعِلِ، مَفْرَدٌ، مُعَرَّفٌ بِأَلْ	○ (۲) اِسْمُ المَكَانِ، مَفْرَدٌ، مُذَكَّرٌ، مَعْرُوفٌ

مهارت درک و فهم

ع

عَيِّنِ الكَلِمَةَ الصَّحِيحَةَ لِلْفَرَاغِ:

(التَّدْنِینُ - مُفْسِدَةٌ - الفَأْسُ - سُدًى - المَطَارُ - الصَّنَمُ - الخَنِيفُ - لَيْتَ - الكَتِفُ - القَرابینُ - المُجِيبُ)

۱۸۸- هُوَ الَّذِي يَقْبَلُ دَعَوَاتِ النَّاسِ.	دی ۱۴۰۳
۱۸۹- كَانَ الهَدَفُ مِنْ تَقْدِیمِ لِلآلِهَةِ كَسْبِ رِضاها وَ تَجَنُّبِ شَرِّها.	دی خارج ۱۴۰۱
۱۹۰- حَصَرَ السَّيَّاحُ فِي قَاعَةٍ لَكِنَّ الدَّلِيلَ لَمْ يَخْضُرْ.	دی ۱۴۰۱
۱۹۱- لا يَسْرُكُ اللهُ الإنسانَ	شهریور ۱۴۰۳ - خرداد ۱۴۰۰

۹۹ خرداد	۱۹۲- إِنْ فَطَرِيَّ فِي الْإِنْسَانِ.
دی خارج ۱۴۰۰ - شهریور ۹۹ - دی خارج ۹۸	۱۹۳- عُضْوٌ مِنْ أَعْضَاءِ الْجِسْمِ يَقَعُ أَعْلَى الْجَذَعِ.
دی خارج ۹۸	۱۹۴- لَهَا ذَاتُ يَدٍ مِنَ الْخَشَبِ وَ سَبٌّ عَرِيضَةٌ مِنَ الْخَدِيدِ يُقَطَّعُ بِهَا.
دی ۹۷ - شهریور ۱۴۰۰ - خرداد ۱۴۰۲	۱۹۵- تَارِكٌ لِلْبَاطِلِ وَ الْمُتَمَائِلِ إِلَى الدِّينِ الْحَقِّ.
خرداد خارج ۱۴۰۰	۱۹۶- لَا تُعْصَبُ فَإِنَّ الْعَصَبَ
خرداد خارج ۱۴۰۰ - دی ۹۸	۱۹۷- تَمَتَّى الْمَزَارُ: الْمَطَرُ يَنْزِلُ كَثِيرًا!
خرداد خارج ۱۴۰۱ - دی خارج ۱۴۰۰	۱۹۸- تِفْثَالٌ مِنْ حَجَرٍ أَوْ خَشَبٍ أَوْ حَدِيدٍ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ.

ف) اِقْرَأِ النَّصَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:

«أَرْسَلَ اللَّهُ الْأَنْبِيَاءَ (ع) لِإِنْقَادِ الْبَشَرِ مِنَ الْخُرَافَاتِ وَ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ، كَمَا نَعْلَمُ أَنَّ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلَ (ع) ذَهَبَ فِي أَحَدِ الْأَعْيَادِ إِلَى الْمَعْبِدِ وَ كَسَّرَ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ إِلَّا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ، فَعَلَّقَ الْفَأْسَ عَلَى كَتِفِ هَذَا الصَّنَمِ وَ خَرَجَ مِنَ الْمَعْبِدِ، الْقَوْمُ أَحْضَرُوهُ لِلْمُحَاكَمَةِ وَ قَدَفُوهُ فِي النَّارِ وَلَكِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَنْقَذَهُ مِنْهَا بِسَبَبِ صَبْرِهِ أَمَامَ قَوْمِهِ وَ رَفَعَ شَأْنَهُ بَيْنَ النَّاسِ.»

دی ۱۴۰۳

۱۹۹- لِمَاذَا أَنْقَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ (ع)؟

۲۰۰- مَتَى ذَهَبَ إِبْرَاهِيمَ (ع) إِلَى الْمَعْبِدِ؟

۲۰۱- مَاكَانَ هَدَفُ إِسْرَالِ الْأَنْبِيَاءِ؟

۲۰۲- عَيَّنِ الْخَطَأَ:

۱) جَعَلَ إِبْرَاهِيمَ (ع) الْفَأْسَ عَلَى كَتِفِهِ. ۲) عُلِقَ الْفَأْسُ عَلَى كَتِفِ الصَّنَمِ الْكَبِيرِ.

«الْآثَارُ الْقَدِيمَةُ الَّتِي أُكْتَشِفَتْ مِنْ خِلَالِ التَّقْوِشِ وَ التَّمَائِيلِ تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالَّذِينَ، لِأَنَّهُ فَطَرِيَّ فِي وُجُودِهِ وَ لَكِنَّ شَعَائِرَهُ كَانَتْ خُرَافِيَّةً، فَأَمَّا اللَّهُ تَعَالَى لَمْ يَتْرِكْهُ فِي هَذِهِ الْحَالَةِ فَأَرْسَلَ إِلَيْهِ الْأَنْبِيَاءَ (ع) لِلْهُدَايَةِ وَ الْإِشَادِ.»

خرداد خارج ۱۴۰۰

۲۰۳- مَا يَدُلُّ عَلَى اهْتِمَامِ الْإِنْسَانِ بِالَّذِينَ؟

۱) لِأَنَّ الَّذِينَ أُمُّو فَطَرِيَّ. ۲) الْآثَارُ الْقَدِيمَةُ الَّتِي اُكْتَشَفَهَا الْإِنْسَانُ.

۲۰۴- لِمَاذَا مَا تَرَكَ الْإِنْسَانُ فِي الْخُرَافَاتِ؟

۱) بِسَبَبِ هِدَايَةِ النَّبِيِّينَ الَّذِينَ أَرْسَلَهُمُ اللَّهُ. ۲) بِشَعَائِرِ النَّاسِ وَ إِنَّ كَانَتْ خُرَافِيَّةً.

«فَفِي أَحَدِ الْأَعْيَادِ لَمَّا خَرَجَ قَوْمُهُ مِنْ مَدِينَتِهِمْ، بَقِيَ إِبْرَاهِيمَ (ع) وَحِيدًا، فَحَمَلَ فَأْسًا وَ كَسَّرَ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ فِي الْمَعْبِدِ إِلَّا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ ثُمَّ عُلِقَ الْفَأْسُ عَلَى كَتِفِهِ وَ تَرَكَ الْمَعْبِدَ.»

خرداد خارج ۱۴۰۱

۲۰۵- مَاذَا عُلِقَ إِبْرَاهِيمَ (ع) عَلَى كَتِفِ الصَّنَمِ؟

۲۰۶- مَتَى خَرَجَ قَوْمُ إِبْرَاهِيمَ (ع) مِنْ مَدِينَتِهِمْ؟

ص) عَيِّنِ الصَّحِيحَ وَ الْخَطَأَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ:

شهریور ۱۴۰۰

۲۰۷- عُلِقَ إِبْرَاهِيمَ (ع) الْفَأْسُ عَلَى كَتِفِ أَصْغَرِ الْأَصْنَامِ.

دی ۱۴۰۰

۲۰۸- لَمْ يَكُنْ لِبَعْضِ الشُّعُوبِ دِينٌ أَوْ طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ.

دی خارج ۱۴۰۰

۲۰۹- الْآثَارُ الْقَدِيمَةُ تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالَّذِينَ.

دی ۹۹

۲۱۰- الصَّنَمُ تِفْثَالٌ مِنْ حَجَرٍ أَوْ خَشَبٍ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ.

پاسخ‌های تشریحی

۲۴- (دو کلمه اضافی است.) الف) الْخَنيف = الْمَوْحَد (یکتاپرست) ب) النَّزاع (کشمکش و درگیری) ≠ السَّلْم (آشتی و صلح)	
۲۵- (یک کلمه اضافی است.) الف) نَصَرَ = أَعَانَ (یاری کرد) ب) السَّلْم (صلح، سازش) ≠ الصَّراع (درگیری)	
۲۶- (دو کلمه اضافی است.) الف) الْحَبِيب = الصَّدِيق (دوست) ب) الْحَيْر (خوبی) ≠ الشَّر (بدی)	
۲۷- (دو کلمه اضافی است.) الف) الْفَلَّاح = الْمَزَارِع (کشاورز) ب) الصَّراع (کشمکش) ≠ السَّلْم (صلح، آشتی)	
ج) کلمهٔ ناهماهنگ را در معنی مشخص کن: ۲۸- سه کلمهٔ دیگر از اجزای بدن هستند. بررسی گزینه‌ها: (۱) گوشه‌ها × (۲) استخوان‌ها × (۳) چشم‌ها × (۴) بهره‌ها ✓	
۲۹- سه کلمهٔ دیگر از اعضای بدن هستند. بررسی گزینه‌ها: (۱) پا × (۲) زن ✓ (۳) سر × (۴) شانه ×	
۳۰- سه کلمهٔ دیگر از فلزات هستند. بررسی گزینه‌ها: (۱) آهن × (۲) مس × (۳) شیشه ✓ (۴) طلا ×	
۳۱- کلمات دیگر با هم ارتباط معنایی دارند. بررسی گزینه‌ها: (۱) نگاره‌ها (کنده‌کاری‌ها) × (۲) نقاشی‌ها × (۳) نوشته‌ها × (۴) قوم‌ها، گروه‌ها ✓	
۳۲- سه کلمهٔ دیگر از فلزات هستند. بررسی گزینه‌ها: (۱) نقره × (۲) گِل ✓ (۳) طلا × (۴) مس ×	

ردیف	واژه‌شناسی
الف)	کلماتی را که زیر آن‌ها خط است، ترجمه کن: ۱- هیچ گنجی بی‌نیازکننده‌تر از قناعت نیست. ۲- ابراهیم (ع) تبر را روی شانهٔ بت آویخت. ۳- گروه ابراهیم (ع) را آورد. (حاضر کرد) ۴- مادر از پرنده‌ای زخمی نگهداری می‌کرد. ۵- خدای من! موفقیت را بخت و بهرام در زندگی قرار بده. ۶- تندیس‌ها بر توجّه انسان به دین تأکید می‌کنند. ۷- نوشته‌ها و نگاره‌ها بر توجّه انسان به دین تأکید می‌کنند. ۸- قرآن با ما دربارهٔ کشمکش (درگیری) پیامبران با کافران سخن گفته است. ۹- با یکتاپرستی به دین روی بیاور. ۱۰- گویی آن‌ها ساختمان‌ی استوارند. ۱۱- عبادت‌ها و مراسم او خرافی بود. ۱۲- گفتند: او را بسوزانید و خدایانتان را یاری کنید. ۱۳- همانا خشم مایهٔ تباهی است. ۱۴- زمانی که این پرنده از فریب دشمن مطمئن می‌شود. ۱۵- ابراهیم (ع) همهٔ بت‌ها را شکست. (شکاَند) ۱۶- سینه را از شادمانی پر کن. ۱۷- ابراهیم (ع) قوم خود را از پرستش بت‌ها نجات داد. ۱۸- خداوند انسان را بیپه‌وده و پوچ رها نمی‌کند. ۱۹- خداوند ابراهیم (ع) را از آتش نجات داد. ۲۰- تبر را بر شانه‌اش آویخت. ۲۱- قرآن با ما دربارهٔ روش و کردار پیامبران سخن گفته است. ب) متضاد و مترادف را مشخص کن: ۲۲- الصَّراع (کشمکش) ≠ السَّلَام (صلح و آشتی) ۲۳- أَسْفَلَ [الجِدْع] (پایین [تنه]) ≠ أَعْلَى [الجِدْع] (بالا [ی تنه])

ترجمه

آیات و عبارات را به فارسی ترجمه کن:

۴۸- انسان تمدن‌ها را از میان نوشته‌ها و نگاره‌ها (کنده‌کاری‌ها) می‌شناخت.

۴۹- هیچ تمدنی نیست مگر اینکه در آن مراسمی دینی وجود دارد.

۵۰- زمانی که مردم برمی‌گردند بت‌های شکسته‌شان را می‌بینند.

۵۱- زمانی که مردم بت‌های شکسته‌شان را دیدند، ابراهیم (ع) را برای محاکمه آوردند (حاضر کردند).

۵۲- قرآن کریم درباره‌ی روش پیامبران (ع) و درگیری (کشمکش) آن‌ها با مردمان کافرشان با ما سخن گفته است.

۵۳- نوشته‌ها و نگاره‌ها بر این‌که دین در وجود انسان فطری است، دلالت می‌کند.

۵۴- با یکتاپرستی به دین روی بیاور.

۵۵- آیا تو این [کار] را با خدایانمان انجام دادی ای ابراهیم؟

۵۶- گفتند: او را بسوزانید و خدایانتان را یاری کنید.

۵۷- هیچ ملّتی از ملّت‌های زمین نیست، مگر این‌که آیین و روشی برای پرستش داشته باشد.

۵۸- پیشکش کردن قربانی‌ها به بت‌ها برای دوری جستن از بدی آن‌ها بود.

۵۹- آیا انسان گمان می‌کند (می‌پندارد) که بیهوده رها می‌شود؟!

۶۰- آثار کهن بر توجّه انسان به دین تأکید می‌کند.

۶۱- در یکی از عیدها، وقتی قومش از شهرشان خارج شدند، ابراهیم (ع) تنها ماند.

۶۲- در گذر زمان‌ها، این خرافات در دین‌های مردم افزایش یافت.

۶۳- ابراهیم خلیل (ع) تلاش کرد که قومش را از پرستش بت‌ها نجات دهد.

۶۴- مردم شروع به پیچ کردند: «قطعاً بت سخن نمی‌گوید و ابراهیم قصد مسخره کردن بت‌های ما را دارد.»

۳۳- سه کلمه دیگر بر جنس دلالت دارند.

بررسی گزینه‌ها:

(۱) نقره ✗ (۲) مس ✗ (۳) طلا ✗ (۴) مهمان ✓

د مفرد یا جمع کلمات را بنویس:

۳۴- الْأُنْشُودَةُ ← جمع (الأنشید (سرودها)

۳۵- الْفَرِيسَةُ ← جمع (الفرایس (شکارها)

۳۶- الْفَقِير ← جمع (الْفُقَرَاء (نیازمندان)

۳۷- الصَّنَم ← جمع (الأصنام (بت‌ها)

۳۸- نَقَاد ← مفرد (سخن‌سنج، نقدکننده)

۳۹- الْأَصْنَام ← مفرد (الصنم (بت)

۴۰- كَيْف ← جمع (أكتاف (شانه‌ها)

۴۱- الْفَأْس ← جمع (الْفُؤُوس (تبرها)

۴۲- الْقَرَابِين ← مفرد (القربان (قربانی)

ه جواب درست را انتخاب کن:

۴۳- جمع «العظم» ← (۱) العظام (استخوان‌ها) ✓

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) العظماء (بزرگان) ✗ (۳) الأعاطيم (بزرگ‌ترین‌ها) ✗

۴۴- مفرد «العصور» ← (۱) العصر (زمان، دوره) ✓

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) العَصْرَة ← مفرد (عصر (فشرنده میوه) ✗

(۳) العَصير (عصاره، آب [میوه]) ✗

و کلمه مناسب را برای توضیحات زیر انتخاب کن:

۴۵- شخصی که به انجام تکالیفش نمی‌پردازد.

بررسی گزینه‌ها:

(۱) یکتاپرست ✗ (۲) تعمیرکار ✗ (۳) تنبل ✓

۴۶- بی‌فایده می‌باشد.

بررسی گزینه‌ها:

(۱) بهره، بخت، شانس ✗ (۲) بیماری ✗

(۳) سلامتی ✗ (۴) بیهوده ✓

۴۷- «تندبسی از سنگ یا چوب یا آهن است که به جای خدا پرستیده می‌شود.»

بررسی گزینه‌ها:

(۱) تبر ✗ (۲) بت ✓ (۳) دوری کردن ✗

۶۵- خداوند پیامبران را فرستاد تا راه راست و دین حق را آشکار کنند.

۶۶- سپس تبر را بر روی شانه آن آویخت (آویزان کرد) و معبد (عبادتگاه) را ترک کرد.

۶۷- تمدن‌های قدیم بر توجه انسان به دین تأکید می‌کند.

۶۸- ابراهیم (ع) همه بت‌ها را به جز بت بزرگ در معبد، شکست.

۶۹- زمانی که مردم بت‌هایشان را شکسته دیدند، گمان کردند که ابراهیم (ع) همان انجام‌دهنده [این کار] است.

۷۰- ابراهیم (ع) را حاضر کردند پس او را در آتش انداختند، سپس خدا او را از آن نجات داد.

۷۱- ابراهیم (ع) تنها ماند پس تبری را برداشت و تمام بت‌ها را در معبد شکست.

۷۲- گفتارشان تو را نباید اندوهگین کند؛ زیرا ارجمندی، همه از آن (برای) خداست.

۷۳- بی‌گمان خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند.

۷۴- گویی خشنود ساختن همه مردم، هدفی است که به آسانی به دست آورده نمی‌شود. (به دست نمی‌آید)

۷۵- بی‌گمان ما قرآن را به زبان عربی قرار دادیم امید است شما خردورزی کنید.

۷۶- [ای] پروردگار ما، آنچه که هیچ توانی نسبت به آن نداریم، بر ما تحمیل مکن.

۷۷- هیچ فقری مانند نادانی و هیچ میراثی مانند ادب نیست.

۷۸- هیچ خیری در سخنی (گفتاری) نیست؛ مگر این که همراه کردار (عمل) باشد.

۷۹- و این، روز رستاخیز است، ولی شما نمی‌دانستید.

۸۰- آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند برابرند؟

۸۱- جز آن چه به ما آموخته‌ای، هیچ دانشی نداریم (برای ما نیست).

۸۲- و کافر می‌گوید: ای کاش من خاک بودم!

۸۳- هیچ لباسی زیباتر از سلامتی (تندرستی) نیست.

۸۴- کاش مسلمان‌ها بدانند که خداوند دل‌هایشان را نورانی می‌کند.

۸۵- هیچ عبادتی مانند اندیشیدن نیست.

۸۶- بت‌ها، مجسمه‌هایی از چوب یا آهن است که به جای خدا پرستش می‌شود.

۸۷- پرنده از فریب (نیرنگ) دشمن مطمئن شده است.

۸۸- هیچ فقری سخت‌تر از نادانی و هیچ عبادتی مانند اندیشیدن نیست.

۸۹- اگر مردم را دشنام دهید [یا این کار]، میانشان دشمنی کسب می‌کنید.

۹۰- ما از گل آفریده شدیم پس به خاندانمان افتخار نمی‌کنیم.

۹۱- کشاورز آرزو داشت: «ای کاش باران، بسیار بیارد.»

۹۲- از خدا می‌خواهم که (امیدوارم که خدا) موفقیت را، به‌رهم در زندگی قرار دهد.

۹۳- خدای من، موفقیت را بخت من در زندگی قرار بده.

۹۴- زمانی که جانوری درنده را می‌بیند وانمود می‌کند که بالش شکسته است.

۹۵- هر غذایی که نام خدا بر آن ذکر نشود، هیچ برکتی در آن نیست.

۹۶- وقتی که [این] پرنده از فریب دشمن مطمئن می‌شود، ناگهان پرواز می‌کند.

۹۷- پرنده باهوش جانور درنده‌ای را نزدیک لانه‌اش می‌بیند.

۹۸- از آن چه [خودتان] نمی‌خورید به نیازمندان غذا نخورانید.

۹۹- بلکه آن‌ها را می‌بینی که از تکه گلی آفریده شدند. آیا چیزی جز گوشت و استخوان و پی‌اند؟!

۱۰۰- حق را از اهل باطل بگیرد و باطل را از اهل حق نگیرد.

۱۰۱- از سنت [پیامبر] است که مرد با مهمانش تا در خانه برود.

۱۰۲- مدیر پاسخ داد: هیچ دانش‌آموزی این‌جا نیست.

۱۰۳- ای خدای من، خرد و دلم را با دانش‌های سودمند روشن کن.

۱۰۴- سینه را از شادمانی و دهانم را از لبخندها پر کن.

۱۱۹- گزینه «۱» صحیح است. (در ترجمه «إِنَّمَا» معمولاً از الفاظ «فقط، تنها» استفاده می‌شود.)

ط جاهای خالی را در ترجمه فارسی کامل کن:

۱۲۰- گردشگران (: السَّيَّاحُ) - راهنما (: الدَّلِيلُ)

۱۲۱- بسوزانید (: حَرَّقُوا) - یاری کنید (: اَنْصُرُوا)

۱۲۲- صف در صف (صَفًّا) - پیکار می‌کنند (می‌جنگند) (: يُقَاتِلُونَ)

۱۲۳- ای کاش (: يَا لَيْتَ) - خاک (: تُرَابًا)

۱۲۴- پیکار می‌کنند، (می‌جنگند) (: يُقَاتِلُونَ) - گویی (: كَأَنَّ)

۱۲۵- نباید اندوهگین کند (: لَا يَحْزُنُ) - غایب - همه (: جَمِيعًا)

۱۲۶- می‌دانم (: أَعْلَمُ) - توانا است، قادر است (: قَدِيرٌ)

۱۲۷- رستخیز (: الْبَغْثُ) - نمی‌دانستید (: كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ): معادل ماضی استمراری

۱۲۸- گویی (: كَأَنَّ) - به‌دست آورده نمی‌شود (: لَا تُدْرِكُ)

۱۲۹- زیباتر (: أَجْمَلُ)

۱۳۰- نیکوکاران (: الْمُحْسِنِينَ)

۱۳۱- هیچ نداریم (: لَا ... لَنَا) - تحمیل نکن (: لَا تَحْمِلْ)

۱۳۲- مانند (: كَأَنَّ)

۱۳۳- نمی‌خورید (: لَا تَأْكُلُونَ) - اطعام نکنید، نخورانید (: لَا تُطْعِمُوا)

۱۳۴- آرزو داشت (: تَمَنَّى) - کاش (: لَيْتَ)

۱۳۵- شادمانی (: انْشِرَاحًا) - لبخندها (: الْبَسَمَاتِ)

۱۳۶- فرودگاه (: الْمَطَارُ) - راهنما (: الدَّلِيلُ)

۱۳۷- انجام (: أَدَاءً) - یاری کن (: أَعْنِي)

۱۳۸- صلحی، آشتی (: سَلَامًا) - پر کن (: اِمْلَأْ)

۱۳۹- ذکر نمی‌شود (: لَا يُذَكَّرُ) - هیچ (: لَا) ی نفی جنس

۱۰۵- هیچ دینی برای کسی که هیچ [وفای به] عهده‌ی ندارد، نیست. (کسی که هیچ [وفای به] پیمانی ندارد، هیچ دینی ندارد.)

۱۰۶- آیا آن‌ها را می‌بینی (می‌پنداری) که از نقره یا آهن یا مس یا طلا آفریده شدند؟

۱۰۷- از من و کشورم از پیشامدهای بد، نگره‌داری کن.

ع [گزینه] صحیح را در ترجمه انتخاب کن:

۱۰۸- گزینه «۱» صحیح است. «يَحْسَبُ: گمان می‌کند» فعل مضارع است و به‌صورت اخباری ترجمه می‌شود و فعل «أَنْ يُتْرَكَ» به‌صورت فعل مضارع التزامی مجهول است. (در اینجا با توجه به سیاق جمله به‌صورت مضارع اخباری ترجمه می‌شود.)

۱۰۹- گزینه «۲» صحیح است. «لِمَ» مترادف «لماذا» و به معنای «چرا، برای چه» است / «تَسْأَلُونَ: می‌پرسید» به‌صورت مضارع اخباری ترجمه می‌شود.

۱۱۰- گزینه «۲» صحیح است. «إِزْدَادَتْ» فعل ماضی است نه مضارع. / «أَدْبَانُ»: جمع مکسر «دین» است. / «عَلَى مَرَّ الْعَصْرِ: درگذر زمان‌ها)

۱۱۱- گزینه «۲» صحیح است. «حَنِيفًا» صفت «الدِّين» نیست بلکه حال است و با پیشوند «بِا» ترجمه می‌شود. (در درس دوم می‌آموزید.)

۱۱۲- گزینه «۱» صحیح است. «لَا ... لَنَا»: هیچ نداریم / «عَلَّمْتُ»: آموخته‌ای)

۱۱۳- گزینه «۱» صحیح است. «لَا يَحْزُنُ: نباید ناراحت کند» فعل نفی از غایب است و به‌صورت «نباید + مضارع التزامی» ترجمه می‌شود.

۱۱۴- گزینه «۲» صحیح است. «قَدْ + فعل مضارع (قَدْ يَكْتُبُ) ← گاهی + مضارع اخباری» یا «شاید + مضارع التزامی»

۱۱۵- گزینه «۲» صحیح است. «يَتَأَكَّدُ: مطمئن می‌شود»

۱۱۶- گزینه «۲» صحیح است. «لَيْتَ + فعل مضارع (أَذْهَبَ) ← مضارع التزامی»

۱۱۷- گزینه «۱» صحیح است. «خَلَقُوا: آفریده شده‌اند» ماضی مجهول ترجمه می‌شود. / مِنْ: از)

۱۱۸- گزینه «۱» صحیح است. «الْعَدُوَّ» مفرد است نه جمع. / «زندگی» در گزینه «۲» اضافی است.

قواعد

ی) فعل‌های زیر را ترجمه کن:

۱۴۰- الف) خواهد نوشت (مستقبل، مفرد مذکر غایب)	ب) ننویسد (نهی، جمع مذکر مخاطب)
۱۴۱- الف) می‌پرسید، سؤال می‌کنید	ب) سؤال شد
۱۴۲- الف) گاهی تلاش می‌کنند	ب) تلاش نکرد
۱۴۳- الف) گرامی بدارید	ب) باید گرامی بداریم
۱۴۴- الف) آمرزیده نمی‌شود	ب) آمرزیده است
ج) بسیار آمرزنده	
۱۴۵- الف) می‌نشست	ب) خواهند نشست
ج) نشست	
۱۴۶- الف) آمرزیده شده	ب) بسیار آمرزنده
۱۴۷- الف) آمرزش بخواهید	ب) آمرزش بخواهند
۱۴۸- الف) می‌بُریدند	ب) نمی‌بُریم
۱۴۹- الف) نمی‌نشانی	ب) نَنشانند

ک) فعل مناسب را برای جای خالی انتخاب کن:

۱۵۰- گزینه «۳»: «تَوَكَّدَ» فاعل (الحضارات) مؤنث است (مفرد آن «الْحَضَارَةُ» است.) و فعل به علت مطابقت با آن باید به صورت مؤنث بیاید.
۱۵۱- گزینه «۳»: «رَفَعَ» زیرا فعل در ابتدای جمله حتماً به صورت مفرد می‌آید و چون «شَبَاب» [فاعل آن] مذکر است، پس باید به صورت مفرد مذکر بیاید که «رَفَعَ» این گونه است.
۱۵۲- گزینه «۱»: «تَوَكَّدَ» زیرا در جای خالی باید خبر برای «الآثَار» قرار گیرد و چون «الآثَار» جمع مکتسر غیرانسان است، خبر باید برای آن به صورت مفرد مؤنث یعنی به صورت «تَوَكَّدَ» بیاید.

ل) در جملات زیر به دنبال این اسم‌ها بگرد: (اسم مکان ...)

۱۵۳- أَكْبَر (بزرگ‌ترین) بر وزن «أَفْعَل» ← اسم التَّفْضِيل / المَعْبُد (عبادتگاه) بر وزن «مَفْعَل» ← اسم المَكَان
۱۵۴- أَصْغَر (کوچک‌ترین) بر وزن «أَفْعَل» ← اسم التَّفْضِيل
۱۵۵- الْمُكْرَمِينَ (گرامی‌شدگان) ← اسم المَفْعُول (مُرْ)
۱۵۶- مُفْتَرِساً (درنده) ← اسم الفاعل (مُرْ) / مَكْسُور (شکسته‌شده) بر وزن «مَفْعُول» ← اسم المَفْعُول

۴) کلماتی را که زیرشان خط است، ترجمه کن:

۱۵۷- هیچ بدی‌ای بدتر از دروغ نیست.
۱۵۸- ای خدای من ای برآورنده دعاها.
۱۵۹- گویی آن‌ها ساختمانی استوار (محکم) هستند.
۱۶۰- بهترین خوبی، اخلاق خوب است.
۱۶۱- به‌تایشان را شکسته‌شده دیدند.
۱۶۲- هیچ لباسی زیباتر از سلامتی نیست.
۱۶۳- خواستن نیاز از نااهل آن از مرگ سخت‌تر است.
۱۶۴- کشاورز آرزو کرد: ای کاش باران ببارد!
۱۶۵- ابراهیم (ع) تبر را بر شانه کوچک‌ترین بته‌ها آویخت.
۱۶۶- بی‌گمان خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند.
۱۶۷- تنها خدا بسیار آمرزنده است.

ن) نقش کلماتی را که زیرشان خط است، مشخص کن:

۱۶۸- التَّاسُّ: فاعل برای فعل «رَجَعَ» است. / الْمُكْسَرَّة: صفت برای موصوف «أَصْنَام» و «أَصْنَامُهُمُ الْمُكْسَرَّة» ترکیب اضافی - وصفی است. / الْمَعْبُد: مجرور به حرف جر (بعد از حرف جر «في» آمده است.)
۱۶۹- قَوْلُ: فاعل برای فعل «لَا يَحْزُنُ» است. / إِلَيْهِ: جار و مجرور
۱۷۰- «أَصْنَام»: مفعول برای فعل «شاهدوا» است. / «مُكْسَرَّة» حال است. (در درس دوم می‌آموزید.)
۱۷۱- إِبْرَاهِيمُ: فاعل برای فعل «حَاوَلَ» است. / عِبَادَةُ: مجرور بحرف جر («مِنْ» حرف جر است؛ «مِنْ عِبَادَةِ»: جار و مجرور)
۱۷۲- الْهَدَفُ: مبتدا (جملة اسمیة داریم (مبتدا + خبر) / الْقَرَابِينَ: مضاف الیه (تقدیم: مضاف است و نه ال دارد و نه تنوین، پس کلمه پس از آن مضاف الیه است.) / تَجَنَّبَ: خبر برای مبتدای «الْهَدَفُ» است.
۱۷۳- الْبَاطِلُ: مفعول برای فعل «لَا تَأْخُذُوا» است. / الْحَقُّ: مضاف الیه (أَهْل (اسم بدون ال و تنوین) + اسم ← اسم دوم مضاف الیه است.)

۱۸۶- گزینۀ «۲» صحیح است.

بررسی سایر گزینه‌ها

- (۱) جمع التَّكْسِير ← مفرد / اسمُ الْمَكَان ← اسمُ الْفَاعِل
دَقَّتْ كَنید «الْمُزَارِع» به معنای «کشاوری» را با «الْمَزَارِع» که جمع مَكْسَر «مَزْرَعَة» هست اشتباه نگیرید.
(۳) اسمُ الْفَاعِل مِن «زَرَع» ← اسم الْفَاعِل مِن «زَارَع» / خبر
← فاعِل (جمله با فعل شروع شده پس باید دنبال فاعل بگردیم نه خبر).

نکته اسم‌های فاعل یا مفعول که با س، ش، ض شروع می‌شوند از فعل‌های گروه اول که فقط از حروف اصلی تشکیل می‌شوند، (سه حرفی) نیستند بلکه ماضی آنها علاوه بر سه حرف اصلی «حرف یا حروفی» اضافه دارد (گروه دوم).

۱۸۷- گزینۀ «۲» صحیح است. «الْمَغْبَد» بر وزن «مُفْعَل» اسم مکان است.

مهارت درک و فهم

ع کلمۀ صحیح را برای جای خالی مشخص کن:

- ۱۸۸- الْمُجِيبَ (برآورنده، [او] کسی است که خواسته‌های (دعاهای) مردم را می‌پذیرد).
۱۸۹- الْقَارِینَ (هدف از پیشکش کردن قربانی‌ها برای خدایان، به‌دست آوردن خشنودیشان و دوری از بدی آن‌هاست).
۱۹۰- الْمَطَارَ (گردشگران در سالن فرودگاه حاضر شدند اما راهنما حاضر نشد).

- ۱۹۱- سُدًی (خداوند انسان را بیپرده و پوچ رها نمی‌کند).
۱۹۲- التَّدَيُّنَ (همانا دینداری در انسان فطری (ذاتی) است).
۱۹۳- الْكَتِفَ (شانه) عضوی از اعضای بدن است که بالای تنه قرار دارد).
۱۹۴- الْفَاسَ (تبر) دسته‌ای از چوب و دندانهای پهن از آهن دارد که به وسیله آن بریده می‌شود).
۱۹۵- الْحَنِيفَ (یکتاپرست) ترک‌کننده باطل و گرونده به دین حق است).

۱۷۴- الْمُسَافِرُ: فاعل (برای فعل «حَضَرَ» است). / فِي قَاعَةٍ: جار و مجرور (فی: حرف جر)

۱۷۵- الْقَرَأَنُ: فاعل (برای فعل «حَدَّثَ» است). / «الْكَرِيمُ»: صفت برای موصوف «الْقَرَأَن» است. (ویژگی «الْقَرَأَن» را بیان می‌کند).

۱۷۶- إِبْرَاهِيمُ: فاعل برای فعل «يَقْصِدُ» است.

۱۷۷- أَحْسَنُ: مبتدا (جمله اسمیه داریم). / «الْخُلُقُ»: خبر برای مبتدای «أَحْسَنُ» است. (معنای «أَحْسَنُ» را کامل می‌کند).

۱۷۸- اهْتِمَامُ: مفعول (برای فعل «تَوَكَّدَ» است و نیاز به مفعول دارد). / الْإِنْسَانُ: مضاف‌إلیه (بعد از «اهْتِمَام» اسم بدون ال و تنوین آمده است).

۱۷۹- الطَّائِرُ: فاعل (برای فعل «يَرَى» است). / حَيَوَانًا: مفعول برای فعل «يَرَى» است.

۱۸۰- الْحَيَوَانُ: فاعل برای فعل «يَتَّبَعُ» است. / طَائِرًا: مفعول برای فعل «يَتَّبَعُ» است.

۱۸۱- اللَّهُ: فاعل برای فعل «لَا يَزَحَمُ» است. / النَّاسُ: مفعول برای فعل «لَا يَزَحَمُ» است.

۱۸۲- إِبْرَاهِيمُ: فاعل برای «عَلَّقَ» است. / الْأَضْنَامُ: مضاف‌إلیه (به کلمۀ «أَضَرَّ» توجّه کنید، اسم بدون ال و تنوین).

۱۸۳- وَحِيدًا: حال (قید حالت برای «إِبْرَاهِيمُ»؛ در درس دوم می‌آموزید). / فَاسٌ: مفعول برای فعل «حَمَلَ» است. / الْأَضْنَامُ: مضاف‌إلیه (پس از کلمۀ «جَمیع» آمده پس قطعاً مضاف‌إلیه است).

س [گزینۀ] صحیح را در تحلیل صرفی و محل اعرابی (تجزیه و ترکیب) مشخص کن:

۱۸۴- الف) گزینۀ «۲» صحیح است. «مجهول» در گزینۀ «۱» نادرست است.

ب) گزینۀ «۲» صحیح است. «مضاف‌إلیه» در گزینۀ «۱» نادرست است.

۱۸۵- الف) گزینۀ «۱» صحیح است. (فعل ماضی و خبر برای مبتدای «إِبْرَاهِيمُ» است).

ب) گزینۀ «۲» صحیح است. «ال» دارد و معرفه است نه نکره. / بر وزن «مُفْعَل» اسم مکان است. / پس از حرف جر «فی» آمده و «مجرور بحرف الجر» است.

ترجمه متن: «آثار کهنی (قدیمی‌ای) که از میان نگارها و تندیس‌ها کشف شد، بر توجه انسان به دین تأکید می‌کند؛ زیرا آن در وجودش فطری (ذاتی) است، ولی مراسم‌هایش خرافی بوده است، اما خداوند - بلندمرتبه بادا - او را در این حالت رها نکرد پس پیامبران (ع) را برای هدایت و راهنمایی به سویش فرستاد.»

۲۰۳- چه چیزی بر توجه انسان به دین دلالت دارد؟

- (۱) زیرا دین مسئله‌ای فطری است. ✖
- (۲) آثار کهنی (قدیمی‌ای) که انسان کشفشان کرد. ✔

۲۰۴- چرا انسان (بشر) در خرافات رها نشد؟

- (۱) به سبب هدایت پیامبرانی که خداوند به سویشان فرستاد. ✔
- (۲) به [خاطر] آیین‌های مردم هر چند خرافه بوده است. ✖

ترجمه متن: «در یکی از عیدها زمانی که قومش از شهرشان بیرون رفتند، ابراهیم (ع) تنها ماند، پس تبری را برداشت و تمام بت‌ها به جز بت بزرگ را در معبد شکست سپس تبر را روی شانه او آویخت (آویزان کرد) و معبد را ترک کرد.»

۲۰۵- ابراهیم (ع) چه چیزی روی شانه بت آویزان کرد؟
الفأس. (تبر).

۲۰۶- قوم ابراهیم چه زمانی از شهرشان بیرون رفتند؟ فی أحد الأعیاد. (در یکی از عیدها).

درست یا غلط را بر اساس حقیقت و واقعیت مشخص کن:

- ۲۰۷- ابراهیم (ع) تبر را روی شانه کوچک‌ترین بت‌ها آویخت. ✖
- ۲۰۸- برخی از ملت‌ها دین یا روشی برای عبادت نداشتند. ✖
- ۲۰۹- آثار قدیمی بر توجه انسان به دین تأکید می‌کند. ✔
- ۲۱۰- بت، تندیس‌ای از سنگ یا چوبی است که به جای خدا عبادت می‌شود. ✔

۱۹۶- مَفْسَدَة (خشمگین نشو، زیرا خشم مایهٔ تباهی است).

۱۹۷- لَیَّتَ (کشاورز آرزو کرد: کاش باران، زیاد بیارد).

۱۹۸- اللَّئِمَّ (بت مجسمه‌ای از سنگ یا چوب یا آهن است که به جای خدا پرستش می‌شود).

متن را بخوان، سپس به سؤالات زیر جواب بده:

ترجمه متن: «خداوند پیامبران (ع) را برای نجات مردم از خرافات و پرستش بت‌ها فرستاد، همان‌گونه که می‌دانیم ابراهیم (ع) در یکی از اعیاد به معبد رفت و همه بت‌ها را جز بت بزرگ شکست و تبر را بر شانه این بت آویخت و از معبد خارج شد، مردم او را برای محاکمه آوردند و در آتش انداختند، اما خدائی - پربرکت و بلندمرتبه [بادا نام او] - او را به خاطر شکیبایی‌اش در برابر قومش از آن (آتش) نجات داد و جایگاهش را در میان مردم بالا برد.»

۱۹۹- چرا خداوند ابراهیم (ع) را نجات داد؟
أَنْقَذَهُ بِسَبَبِ صَبْرِهِ أَمَامَ قَوْمِهِ. (او را به خاطر شکیبایی‌اش در برابر قومش نجات داد).

۲۰۰- چه زمانی ابراهیم (ع) به معبد رفت؟
ذَهَبَ فِي أَحَدِ الْأَعْيَادِ إِلَى الْمَعْبَدِ. (در یکی از اعیاد به معبد رفت).

۲۰۱- هدف فرستادن پیامبران چه بوده است؟
كَانَ هَدَفُ إِرْسَالِ الْأَنْبِيَاءِ (ع) إِنْقَاذَ الْبَشَرِ مِنَ الْخُرَافَاتِ وَ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ. (هدف فرستادن پیامبران (ع)، نجات مردم از خرافات و پرستش بت‌ها بوده است).

۲۰۲- خطا را مشخص کن:

- (۱) ابراهیم (ع) تبر را بر شانه خود گذاشت. ✖
- (۲) تبر بر شانه بت بزرگ آویخته شد. ✔

آزمون ماهی درس اول

آزمون ۱

ردیف	سؤالات	نمره
۱	تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ. (الف) حاول إبراهيم (ع) أَنْ يُنْقِذَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ. (ب) ﴿وَلَا تَسْبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ...﴾ (ج) و املاً الصَّدْرَ انْثِرَاحاً / وَ فَمَيَّ بِالْبَسْمَاتِ (د) تَأَكَّدَ الطَّائِرُ مِنْ خِدَاعِ الْعَدُوِّ.	۱
۲	عَيِّنِ الْمُتَصَادَ فِي الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ. التَّارِكُ لِلْبَاطِلِ وَ الْمُتَمَائِلُ إِلَى الدِّينِ الْحَقِّ.	۰/۵
۳	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَغْنَى. (۱) جِهَاد (۲) نِزَاع (۳) صِرَاع (۴) عَدُوٌّ	۰/۲۵
۴	اُكْتُبِ الْمَفْرَدَ أَوْ الْجَمْعَ لِمَا تَحْتَهُ خَطٌّ. (الف) إِنَّ أَحْسَنَ الْحَسَنِ الْخُلُقِ الْحَسَنُ. (ب) وَاخْمِنِي مِنْ شُرُورِ الْحَادِثَاتِ.	۰/۵
۵	اِنتْخِبِ الْكَلِمَةَ الْمُنَاسِبَةَ لِلتَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةِ. (الف) مَنْ قَدْ يَكْتُبُ تَمَارِينَ الدَّرْسِ: (ب) خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْهُ: (۱) الْكَسُولُ (۲) الْكَاتِبُ (۳) اللَّوْحُ (۱) الشَّرَابُ (۲) التِّينُ (۳) الطِّينُ	۰/۵
۶	تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ. (الف) ﴿... أَقِمِ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً﴾ (ب) التَّقْوَشُ تَوَكَّدَ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالدِّينِ. (ج) قَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ عَنْ صِرَاعِ الْأَنْبِيَاءِ (ع). (د) كَانَ إِبْرَاهِيمُ (ع) عَلَقَ الْفَأْسَ عَلَى كَتِفِهِ. (هـ) قَدَفُوهُ فِي النَّارِ، فَأَنْقَذَهُ اللَّهُ مِنْهَا. (و) ﴿... خَوْفُهُ وَ انْصُرُوا آلِهَتَكُمْ﴾ (ز) لِمَاذَا يَبْكِي الطِّفْلُ؟ لِأَنَّهُ جَائِعٌ.	۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۷۵

۱	ح) كَانَ «الطَّائِرُ الذَّكِيُّ» تَظَاهَرُ بِأَنَّ جَنَاحَهُ مَكْسُورٌ. ط) لَا تَسْبُوا النَّاسَ فَتَكْتَسِبُوا الْعَدَاوَةَ بَيْنَهُمْ. ي) كَأَنَّ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرِكُ. ك) ﴿... لَا تُحَقِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ...﴾	
۰/۷۵ ۰/۵	۷) اِنتْخِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ. الف) ﴿وَلَا يَخْزُوكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً...﴾ ۱) از گفتارشان اندوهگین نشو، قطعاً ارجمندی، همه از آنِ خداست. ۲) گفتارشان تو را نباید اندوهگین کند؛ زیرا ارجمندی، همه از آنِ خداست. ب) ﴿... قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ ۱) گفت می دانم قطعاً خدا بر همه چیز تواناست. ۲) گفت می دانم که خدا بر هر چیزی تواناست.	۰/۵
۱	۸) كَمَلِ الْفَرَائِغَ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارْسِيَّةِ. الف) لَا تَغْضَبْ، فَإِنَّ الْغَضَبَ مُفْسِدٌ. خشمگین مشو، خشم است. ب) كُلُّ طَعَامٍ لَا يُذَكَّرُ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ، ... لَا يَزَكَّةَ فِيهِ. هر غذایی که نام خدا بر او ، در آن نیست.	
۲	۹) تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌ. الف) وَ لِنَذْكُرْ مِثْلًا إِبْرَاهِيمَ (ع). ج) ﴿أَيُخْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يَتْرُكَ سُدًى﴾ هـ) رَجَاءٌ، لَا تَكْتُبُوا عَلَى جِلْدِ الْكِتَابِ. ز) لَنْ يَكْتُبَ الْعَاقِلُ عَلَى الْأَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ. ب) قَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ عَنْ سِيرَةِ الْأَنْبِيَاءِ (ع). د) جَاءَ الْأَنْبِيَاءُ (ع) لِيُبَيِّنُوا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ. و) اللَّهُ لَمْ يَتْرُكِ النَّاسَ عَلَى هَذِهِ الْحَالَةِ. ح) قَدْ يَتَّظَاهَرُ الطَّائِرُ بِأَنَّ جَنَاحَهُ مَكْسُورٌ.	
۰/۷۵	۱۰) اِنتْخِبِ الْفِعْلَ الْمُنَاسِبَ لِلْفَرَاغِ الف) أَنَا واجباتي اُمس. ب) الْخَيَوَانُ الْمُفْتَرِسُ هَذِهِ الْفَرِيسَةَ غَدًا. ج) النَّاسُ يَتَكَلَّمُونَ بِكَلَامٍ خَفِيٍّ. ۱) أَكْتُبُ ۲) سَأَكْتُبُ ۳) لَمْ أَكْتُبْ ۱) يَتَّبِعُ ۲) سَيَتَّبِعُ ۳) لَمْ يَتَّبِعْ ۱) يَدَّوُوا ۲) يَدَّ ۳) تَبَدُّأُ	
۱	۱۱) عَيِّنِ نَوْعَ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌ. (فِعْلٌ مَاضٍ وَ فِعْلٌ نَهْيٌ وَ فِعْلٌ أَمْرٌ وَ مُضَرَّرٌ) الف) الْأَثَارُ الْقَدِيمَةُ تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالدِّينِ. ج) تَبَعَ الْخَيَوَانُ الْمُفْتَرِسُ هَذِهِ الْفَرِيسَةَ. ب) ﴿لَا تَسْبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ...﴾ د) أُرْسِلَ إِلَى النَّاسِ الْأَنْبِيَاءُ (ع) لِيُبَيِّنُوا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ.	

١٢	اِنتَخب «لا» التانيّة للجنس. (١) ... رَبَّنَا وَ لَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ... ﴿ (٢) أ في المَدْرَسَة طَالِبٌ؟ لا، لا يُوْجَدُ أَحَدٌ فِي المَدْرَسَة. (٣) لا أَرَى الطَّالِبَاتِ فِي الجَامِعَة الدُّوْلِيَة.	٠/٢٥
١٣	اِنتَخبِ العبارة التي فيها الحَرْفُ المُشَبَّهُ بِالْفِعْلِ. (١) يُرِيدُ صَدِيقِي أَنْ يَكْتُبَ ذِكْرِيَّاتِهِ فِي دَفْتَرِهِ. (٢) يَقُولُ الكَاظِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ ثَرِيًّا ﴿ (٣) ... لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا ... ﴿	٠/٢٥
١٤	عَيِّنِ المَحَلَّ الإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَظٌّ. (الف) إِرْضَاءُ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةً لِأَنْتَذَرُكَ. (ب) يَقْصِدُ إِبْرَاهِيمُ (ع) الإِسْتِهْزَاءَ بِأَصْنَانَا.	١/٥
١٥	(الف) عَيِّنِ اسْمَ الفَاعِلِ وَ اسْمَ المَفْعُولِ وَ اسْمَ المُبَالِغَةِ وَ اسْمَ التَّفْضِيلِ فِي العِبَارَاتِ التَّالِيَةِ. (١) وَ اَمْلَأِ الدُّنْيَا سَلَامًا... (٢) أَحْبَبَنِي هَجْرُونِي كَمَا تَشَاءُ عُدَاتِي. (٣) شَاهَدُوا مِثَالَ المَصَابِيحِ المُلَوَّنَةِ. (٤) أَلْفَوَاصِدٌ ذَهَبُوا إِلَى أَعْمَاقِ البَحْرِ لَيْلًا. (ب) تَرْجِمِ الكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَظٌّ. (١) حَصَرَ السِّيَاحُ فِي قَاعَةِ المَطَارِ. (٢) لَا سَوْءَ أَسْوَأَ مِنَ الكَذِبِ.	١/٥
١٦	صَغِّ فِي الفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً. (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ). (كَأَنَّ - نَقَادَ - مُجِيبَ - لَيْتَ) (الف) كُنْتُ أَتَمَنَّى: المَطَرُ يَنْزِلُ كَثِيرًا. (ب) ... لَا تَأْخُذُوا البَاطِلَ مِنْ أَهْلِ الحَقِّ كُونُوا الكلام.	٠/٥
١٧	اِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَةَ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الأَسْئَلَةِ. «الطَّائِرُ الذَّكِيُّ» «بَيْنَمَا يَنْظُرُ الْمُفْتَرِسُ إِلَى الأَعْلَى إِذْ وَجَدَ عُشَّ «الطَّائِرِ الذَّكِيِّ» فَوْقَ الشَّجَرَةِ وَ كَذَلِكَ شَاهَدَ فِرَاحَهُ الجَمِيلَةَ فِي العُشِّ، فَفَرَزَ بِنَفْسِهِ أَنْ يَصِيدَهَا وَ يَأْكُلَهَا فَطَلَبَ مِنَ الطَّائِرِ أَنْ يَقْدِفَ إِلَيْهِ فَرَحًا لِيَلْعَبَ مَعَهُ؛ وَ هَدَّدَهُ بِأَنَّهُ إِنْ لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَسَيَصْعَدُ الشَّجَرَةَ. وَلَكِنَّ الطَّائِرَ أَذْرَكَ جِدَاعَ العُدُوِّ وَ لَمْ يَهْرُبْ مِنْهُ وَ بَقِيَ فِي مَكَانِهِ وَ حَافِظًا عَلَى عُشِّهِ وَ عَلَى فِرَاحِهِ.» (الف) أَيْنَ كَانَ عُشُّ الطَّائِرِ الذَّكِيِّ؟ (ب) مَاذَا فَعِمَ الطَّائِرُ؟ (ج) غَلَامَ عَزَمَ المُفْتَرِسُ؟ (د) لِمَاذَا طَلَبَ المُفْتَرِسُ فَرَحًا؟	١

آزمون ۲

ردیف	سؤالات	نمره
۱	تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ. (الف) تَوَكَّدُ التَّقْوَى وَ الرَّسْمُ اِهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالذِّينِ. (ب) قَدْ يَكْتُبُ الْكَسُولُ تَمَارِينَ الدَّرْسِ. (ج) وَاحْمِي وَاحِمٌ بِلَادِي مِنْ شُرُورِ الْحَادِثَاتِ. (د) يَتَّبِعُ الْحَيَوَانُ الْمُفْتَرِسُ هَذِهِ الْفَرِيسَةَ.	۱
۲	عَيِّنِ الْمُتَرَادِفَ وَ الْمُضَادَّ فِي الْعِبَارَتَيْنِ التَّالِيَتَيْنِ. (الف) سَأَلَ: أُمِّي فِي الْمَدْرَسَةِ طَالِبٌ؟ فَأَجَابَ: لَا، لَا طَالِبَ هُنَا. (ب) جَاءَ الْأَنْبِيَاءُ (ع) لِيُبَيِّنُوا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ وَ الطَّرِيقَ الْحَقَّ.	۰/۵
۳	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى. (۱) عَظَمَ (۲) عَصَبَ (۳) طِينَ (۴) لَحْمَ	۰/۲۵
۴	اُكْتُبِ الْمَفْرَدَ أَوْ الْجَمْعَ لِمَا تَحْتَهُ خَطٌّ. وَضَعَ الْفُزَارِعُونَ الْفَأْسَ عَلَى أَكْتَافِهِمْ.	۰/۵
۵	اِنتَخِبِ الْكَلِمَةَ الْمُنَاسِبَةَ لِلتَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةِ. (الف) قِسْمٌ قَوِيٌّ مِنَ الْجِسْمِ عَلَيْهِ لَحْمٌ: (۱) الْعَظْمُ (۲) الْعَصَبُ (۳) اللَّحْمُ (ب) أَشْيَاءٌ تَوَكَّدُ اِهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالذِّينِ: (۱) تَقْدِيمُ الْقَرَابِينِ (۲) الْآثَارُ الْقَدِيمَةُ (۳) تَعَدُّدُ الْأَلِهَةِ	۰/۵
۶	تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ إِلَى الْفَارْسِيَةِ. (الف) ﴿أَيُحْسِبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يَتْرَكَ سُدًى﴾ (ب) لَتَذْكُرْ إِبْرَاهِيمَ (ع) الَّذِي أَنْقَذَ قَوْمَهُ مِنَ الْأَصْنَامِ. (ج) حَمَلَ إِبْرَاهِيمَ (ع) فَأَسَأَ وَ كَسَرَ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ. (د) إِنَّمَا يَقْصِدُ إِبْرَاهِيمَ الْإِسْتِهْزَاءَ بِأَصْنَامِنَا. (هـ) لَمَّا خَرَجَ قَوْمُهُ، بَقِيَ إِبْرَاهِيمَ (ع) وَحِيداً. (و) لَا سَوْءَ أَسْوَأُ مِنَ الْكَذِبِ. (ز) ﴿... لَا تَخْزُنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا ...﴾ (ح) اجْعَلِ الْيَوْمَ سَعِيداً وَ كَثِيرَ الْبَرَكَاتِ. (ط) تَمَتَّى الْمُزَارَعُ: «لَيْتَ الْمَطَرُ يَنْزِلُ». (ي) تَأَكَّدَ الطَّائِرُ مِنْ خِدَاعِ الْعَدُوِّ.	۰/۵ ۱ ۰/۷۵ ۰/۷۵ ۰/۷۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۱ ۰/۷۵

۵/۵	۷) اِنتَخِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ. الف) ﴿فَهَذَا يَوْمُ الْبُعْثِ وَلَكِنِّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ ۱) و این روز، رستاخیز است بی شک شما نمی دانید. ۲) و این، روز رستاخیز است ولی شما نمی دانستید. ب) حَضَرَ السُّيَاحُ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ، لَكِنَّ الدَّلِيلَ لَمْ يَخْضُرْ. ۱) گردشگران در سالن انتظار حاضر شدند، ولی دلیلی بر حضور نداشت. ۲) گردشگران در سالن فرودگاه حاضر شدند، ولی راهنما حاضر نشد.
۱	۸) كَمَلِ الْفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارْسِيَّةِ. الف) كَأَنَّ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرِكُ خشنود ساختن همه مردم، هدفی است که ب) ﴿... رَبَّنَا وَ لَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ...﴾ [ای] پروردگار ما، آنچه را نسبت به آن نداریم بر ما
۲	۹) تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ. الف) لَمْ يَكُنْ لِبَعْضِ الشُّعُوبِ دِينٌ أَوْ طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ. (ب) عِنْدَمَا شَاهَدْتُهُ كَانَ يَكْتُبُ تَمَرِيْنَهُ. ج) إِنْ تَكْتُبْ بِعَجَلَةٍ، فَسَيَصْبِحُ خَطُّكَ قَبِيحًا. (د) لَا تَأْخُذُوا الْبَاطِلَ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ. هـ) هَلْ تَرَاهُمْ خُلُقُوا مِنْ فَصَّةٍ؟ (و) ﴿إِنَّا جَعَلْنَاهُ قَرَأَنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ ز) أَلَمْ ذَاتِ سِنَّ عَرِيضَةٍ يَطْعُ بِهَا. (ح) ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا...﴾
۵/۷۵	۱۰) اِنتَخِبِ الْفِعْلَ الْمُنَاسِبَ لِلْفَرَاغِ: الف) یا تلامیذ، لم التَّرْجَمَةُ؟ (۱) لَا تَكْتُبُونَ (۲) لَا تَكْتُبُوا (۳) لَا يَكْتُبُونَ ب) الْعَاقِلُ عَلَى الْأَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ أُمْسٍ. (۱) لَنْ يَكْتُبَ (۲) لَمْ يَكْتُبَ (۳) لَا يَكْتُبُ ج) وَ لَمَّا رَجَعَ النَّاسُ، أَضْنَامُهُمْ مُكْسَرَةً. (۱) شَاهَدُوا (۲) شَاهَدَ (۳) شَاهَدُوا
۱	۱۱) عَيِّنْ نَوْعَ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ. (فِعْلٌ مَاضٍ وَ فِعْلٌ مُضَارِعٌ وَ فِعْلٌ أَمْرٌ وَ مُضَدٌّ) الف) اللَّهُ لَمْ يَتْرُكِ النَّاسَ عَلَى هَذِهِ الْحَالَةِ. ب) تَمَتَّى الْمَرْاعُ: «لَيْتَ الْمَطَرُ يَنْزِلُ كَثِيرًا». ج) كَانَ هَدَفُ تَقْدِيمِ الْقَرَابِينِ لِلْإِلَهِةِ كَسْبَ رِضَاهَا وَ تَجَنُّبَ شَرِّهَا. د) ﴿قَالُوا حَزَّوْهُ وَ انْصُرُوا آلِهَتَكُمْ﴾

١٢	اِنتْخِبِ الْعِبَارَةَ الَّتِي فِيهَا «لا» التافية للجنس. (١) لا نجاح في الحياة مع الكسالة. (٢) هل أنت معلم؟ لا، أديب و مفكر. (٣) ... لا تحزن إن الله معنا ... ﴿	٠/٢٥
١٣	اِنتْخِبِ الْعِبَارَةَ الَّتِي فِيهَا الْحَزَفُ الْمُشَبَّه بِالْفِعْلِ. (١) ﴿أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى﴾ (٢) كأن إرضاء جميع الناس غاية لا تدرك. (٣) لا دين لمن لا عهد له.	٠/٢٥
١٤	عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ. (الف) لا يَرْحِمُ اللَّهُ مَنْ لا يَرْحَمُ النَّاسَ. (ب) قَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ عَنْ سِيرَةِ الْأَنْبِيَاءِ مَعَ أَقْوَامِهِمُ الْكَافِرِينَ.	١/٥
١٥	(الف) عَيِّنِ اسْمَ الْمَكَانِ وَ اسْمَ الْمَفْعُولِ وَ اسْمَ الْمُبَالِغَةِ وَ اسْمَ التَّفْضِيلِ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ. (١) حَضَرَ الشُّبَّاحُ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ. (٢) الْكَفُّ عُضْوٌ مِنْ أَعْضَاءِ الْجَسْمِ يَقَعُ أَعْلَى الْجُدْعِ. (٣) مَنْ جَرَّبَ الْمَجْرَبَ حَلَّتْ بِهِ التَّدَامَةُ. (٤) وَ هِيَ تَضَعُ الشَّرِيحَةَ فِي جَوَالِهَا. (ب) تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ. (١) ﴿عَفَرَلِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ﴾ (٢) لا فُقِرَ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ.	١/٥
١٦	صَنَعَ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مَنَاسِبَةً. (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ) (دَكِي - أُنْ - لَكِنْ - جَائِعٌ) (الف) ﴿... إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ﴾ (ب) لِمَاذَا يَبْكِي الطِّفْلُ؟ لِأَنَّهُ	٠/٥
١٧	اقْرَأِ النَّصَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ. «عَزَمَ إِبْرَاهِيمُ (ع) عَلَى تَخْرِيبِ الْأَصْنَامِ لِيُنْقِذَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ. فِي أَحَدِ الْأَعْيَادِ لَمَّا خَرَجَ قَوْمُهُ مِنْ مَدِينَتِهِمْ أَقْبَلَ عَلَى الْمَغْبَدِ وَ هُوَ يُشَاهِدُ قَرَابِينَ أَمَامَ الْأَصْنَامِ، فَخَاطَبَهَا إِبْرَاهِيمُ (ع) سَاجِراً، مَا لَكُمْ لَا تَأْكُلُونَ وَ لَا تَنْطَقُونَ؟ ثُمَّ حَمَلَ فَأَسَهُ وَ بَدَأَ بِتَخْرِيبِ الْأَصْنَامِ جَمِيعِهَا إِلَّا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ، فَقَدْ تَرَكُهُ سَلِيماً. لَمَّا رَجَعَ النَّاسُ، شَاهَدُوا أَصْنَامَهُمْ مُكْسَرَةً. غَضِبُوا غَضَباً شَدِيداً. وَ بَدَؤُوا يَبْحَثُونَ عَنِ الْفَاعِلِ. وَ قَدْ أَذْرَكُوا أَنَّ إِبْرَاهِيمَ (ع) هُوَ الْفَاعِلُ؛ لِأَنَّهُ هُوَ مَنْ كَانَ يُدْعُوهُمْ عَلَى تَرْكِ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ.» (الف) كَيْفَ خَاطَبَ إِبْرَاهِيمُ (ع) الْأَصْنَامَ؟ (ب) مَتَى أَقْبَلَ إِبْرَاهِيمُ (ع) عَلَى الْمَغْبَدِ؟ (ج) مَتَى خَرَجَ قَوْمُ إِبْرَاهِيمَ (ع) مِنْ مَدِينَتِهِمْ؟ (د) لِمَ عَزَمَ إِبْرَاهِيمُ (ع) عَلَى تَخْرِيبِ الْأَصْنَامِ؟	١

پاسخ تشریحی آزمون‌های درس اول

آزمون (۱)

۱

کلماتی را که زیرشان خط است ترجمه کن.

(الف) که نجات دهد؛ حرف «أَنْ» به معنی «که» + فعل مضارع

← معادل مضارع التزامی فارسی (۵/۲۵)

(ب) دشنام ندهید؛ «لا»ی نهی + فعل مضارع ← معادل امر

منفی فارسی (۵/۲۵)

(ج) شادمانی؛ اِنْشَرَاْحاً: مصدر باب «اِنْفَعَال» است. (۵/۲۵)

(د) فریب؛ (۵/۲۵)

۲

متضاد را در عبارت زیر مشخص کن.

متضاد: التَّارِكُ (ترک‌کننده) ≠ اَلْمُتَمَائِلُ (روی‌آورنده) (۵/۲۵)

اَلْبَاطِلُ ≠ اَلْحَقُّ (۵/۲۵)

۳

کلمهٔ ناهماهنگ را در معنی مشخص کن.

گزینۀ «۴» (۵/۲۵)

بررسی گزینه‌ها:

(۱) جِهَاد (مبارزه) ✗ (۲) نِزَاع (مبارزه، کشمکش) ✗

(۳) صِرَاع (مبارزه، کشمکش) ✗ (۴) عَدُوّ (دشمن) ✓

۴

مفرد یا جمع را برای آنچه که زیرش خط است، بنویس.

(الف) اَلْخَلْقُ جمع ← اَلْاَخْلَاقُ (۵/۲۵)

(ب) شُرُور مفرد ← شَرّ (۵/۲۵)

۵

کلمهٔ مناسب را برای توضیحات زیر انتخاب کن.

(الف) گزینۀ «۱»؛ کسی که گاهی تمرین‌های درس‌رامی نویسد. (۵/۲۵)

بررسی گزینه‌ها:

(۱) تنبل ✓ (۲) نویسنده ✗ (۳) تابلو ✗

(ب) گزینۀ «۳»؛ انسان از آن آفریده شده است. (۵/۲۵)

بررسی گزینه‌ها:

(۱) خاک ✗ (۲) انجیر ✗ (۳) گِل ✓

۶

عبارت‌های زیر را به فارسی ترجمه کن.

(الف) با یکتاپرستی به دین روی آور. (۵/۵)

(ب) نگاره‌ها (کنده‌کاری‌ها) توجّه‌انسان‌را به دین تأکید می‌کند. (۵/۵)

(ج) قرآن کریم دربارهٔ کشمکش پیامبران (ع) با ما سخن گفته

است. (۵/۵)

(د) ابراهیم (ع) تبر را بر شانه‌اش آویخته بود. (۵/۵)

(ه) او را در آتش انداختند، پس خداوند او را از آن نجات داد. (۵/۵)

(و) او را بسوزانید و خدایانتان را یاری کنید. (۵/۵)

(ز) چرا کودک گریه می‌کند؟ زیرا او گرسنه است. (۵/۷۵)

(ح) پرندهٔ باهوش وانمود کرده بود که بالش شکسته است. (۱)

(ط) به مردم دشنام ندهید تا میان‌شان دشمنی به‌دست آید. (۱)

(ی) گویی خشنود ساختن همهٔ مردم هدفی است که به‌دست

آورده نمی‌شود. (۵/۷۵)

(ک) آنچه را هیچ توانی نسبت به آن نداریم بر ما تحمیل نکن. (۵/۵)

۷

ترجمهٔ صحیح را انتخاب کن.

(الف) گزینۀ «۲»؛ «لا»ی نهی بر سر شش صیغهٔ غایب فعل

مضارع بیاید معنی «نباید» می‌دهد. «لا يَحْزُنُكَ: تو را نباید

غمگین کند» (۵/۲۵)

(ب) گزینۀ «۲»؛ حرف مشبّه بالفعل «أَنَّ» معمولاً در وسط

جمله می‌آید و معنای «که» می‌دهد. (۵/۲۵)

۸

جاهای خالی را در ترجمه فارسی، کامل کن.

(الف) زیرا - مایهٔ تباهی (۵/۵)

توجه هرگاه قبل از «إِنَّ» فعل نهی «لا تَعْصِبْ» بیاید معمولاً

«إِنَّ» معنای «زیرا» می‌دهد.

(ب) ذکر نمی‌شود (ذکر نشود) - هیچ برکتی (۵/۵)

لا يُذَكَّرُ: فعل مجهول است.

«لا» حرف نفی جنس به معنای «هیچ ... نیست» است؛ «برکة»

اسم «لا»ی نفی جنس است که به‌صورت «نکره» ترجمه می‌شود.

۹

فعل‌های زیر را ترجمه کن.

(الف) باید یاد کنیم؛ «لِ» امر است که در ترجمه زبان فارسی معنای

«باید» می‌دهد و «نَذَكَّرُ» فعل مضارع متکلم مع‌الغیر است. (۵/۲۵)

(ب) با ما سخن گفته است؛ حرف «قَدْ» + فعل ماضی ←

معادل ماضی نقلی فارسی. (۵/۲۵)

(ج) که رها شود؛ حرف «أَنْ» + فعل مضارع ← معادل مضارع

التزامی فارسی. همچنین فعل «يُتْرَكُ» مضارع مجهول است. (۵/۲۵)

(د) تا آشکار کنند؛ فعل مضارع وسط جمله که حرف «لِ»

(ناصبه) بر سر آن بیاید معمولاً به معنی «تا» است و معادل

مضارع التزامی ترجمه می‌شود. (۵/۲۵)

(ه) ننویسید؛ فعل نهی و جمع مذكر مخاطب است. (۵/۲۵)

توجه هرگاه بعد از «رَجَاءٌ مِنْ فَضْلِكَ: لطفاً» و «يَا، أَيُّهَا، أَيُّهَا:

ای»، فعل بیاید آن فعل معمولاً به‌صورت مخاطب ذکر می‌شود.

(و) رها نکرد، رها نکرده است؛ حرف «لَمْ» + فعل مضارع

← معادل ماضی ساده منفی یا نقلی منفی فارسی. (۵/۲۵)

۳. الْمُلَوَّنَةُ: اسم مفعول (باب «تفعیل») (۵/۲۵)	
۴. الْقَوَاصِن: اسم مبالغه (۵/۲۵)	
کلماتی که زیرشان خط است را ترجمه کن.	
ب) ۱. المطَّار: فرودگاه (۵/۲۵)	
۲. أسوأ: بدتر (۵/۲۵)	
۱۶ در جای خالی کلمه مناسب قرار بده. (دو کلمه اضافه است).	
الف) «لَيْتَ: ای کاش» - آرزوی کردم: کاش باران بسیار ببارد. (۵/۲۵)	
ب) «نَقَاد: نقدکنندگان، سخن‌سنان» - باطل را از اهل حق بگیرد از نقدکنندگان (سخن‌سنان) باشید. (۵/۲۵)	
۱۷ متن زیر را بخوان، سپس به سؤالات جواب بده.	
ترجمه متن: «پرنده باهوش»	
«هنگامی که درنده (شکارچی) به بالا نگاه می‌کرد ناگهان لانه «پرنده باهوش» را بالای درخت یافت و همچنین جوجه‌های زیبایش را در لانه دید، با خودش تصمیم گرفت که آن‌ها را شکار کند و بخورد پس از پرنده خواست جوجه‌ای را بیندازد تا با او بازی کند، او را تهدید کرد که اگر آن را انجام ندهد پس بالای درخت خواهد رفت، ولی پرنده فریب دشمن را فهمید و از او فرار نکرد و در مکانش باقی ماند و از لانه‌اش و جوجه‌هایش محافظت کرد.»	
الف) لانه پرنده باهوش کجا بود؟ (۵/۲۵)	
کَانَ عَشَّ الطَّائِرِ الذَّكِيَّ فَوْقَ الشَّجَرَةِ. (لانه پرنده باهوش بالای درخت بود.)	
ب) پرنده چه چیزی را فهمید؟ (۵/۲۵)	
فَهِمَ الطَّائِرُ خِدَاعَ الْعَدُوِّ. (پرنده فریب دشمن را فهمید.)	
ج) درنده بر چه چیزی تصمیم گرفت؟ (۵/۲۵)	
عَزَمَ بِنَفْسِهِ عَلَى أَنْ يَصِيدَ فِرَاحَ الطَّائِرِ الذَّكِيَّ وَ يَأْكُلَهَا. (با خودش تصمیم گرفت که جوجه‌های پرنده باهوش را شکار کند و آن‌ها را بخورد.)	
د) چرا درنده (شکارچی) یک جوجه را خواست؟ (۵/۲۵)	
لِيَلْعَبَ مَعَهُ. (تا با او بازی کند.)	

آزمون (۲)

۱ کلماتی را که زیرشان خط است، ترجمه کن.	
الف) نگاره‌ها (کنده‌کاری‌ها) (۵/۲۵)	
ب) تنبل (۵/۲۵)	
ج) از من نگهداری کن (۵/۲۵)	
د) تعقیب می‌کند (دنبال می‌کند) (۵/۲۵)	

ز) نخواهد نوشت؛ حرف «لَنْ» + فعل مضارع ← معادل آینده منفی (مستقبل منفی) فارسی. (۵/۲۵)	
ح) گاهی وانمود می‌کند، شاید وانمود کند؛ حرف «قَدْ» + فعل مضارع ← حرف «قَدْ» معنای «گاهی» یا «شاید» می‌دهد. (۵/۲۵)	
۱۰ فعل مناسب را برای جای خالی انتخاب کن.	
الف) گزینه «۳»؛ لَمْ أَكْتُبْ: ننوشتم، ننوشته‌ام (۵/۲۵)	
بررسی گزینه درست:	
با توجه به گزینه «أَمْسٍ» به معنای «دیروز» باید به دنبال فعلی بگردیم که معنای «ماضی» بدهد.	
ب) گزینه «۲»؛ سَيَتَّبِعُ: تعقیب خواهد کرد (۵/۲۵)	
بررسی گزینه درست:	
با توجه به کلمه «غَدًا» به معنای «فردا» باید به دنبال فعلی بگردیم که معنی آینده (مستقبل) بدهد.	
ج) گزینه «۲»؛ بَدَأَ (۵/۲۵)	
بررسی گزینه درست:	
معمولاً فعل در ابتدای جمله مفرد می‌باشد.	
۱۱ نوع کلماتی که زیرشان خط است را مشخص کن. (فعل ماضی و ...)	
الف) «إِهْتِمَام» مصدر باب «إِفْتِعَال» است. (۵/۲۵)	
ب) «لَا تَسْتَوِ» فعل نهی است. (۵/۲۵)	
ج) «تَبِعَ» فعل ماضی است. (۵/۲۵)	
د) «أُرْسِلَ» فعل امر مخاطب از باب «إِفْعَال» است. (۵/۲۵)	
۱۲ «لا» نفی جنس را انتخاب کن. (۵/۲۵)	
گزینه «۱»؛ «لَا طَاقَةَ ...»	
توجه «لا»ی نفی جنس بر سر اسم می‌آید و حرکت آخر اسم فتحه - است و آن اسم «ال» و «تنوین» نمی‌گیرد.	
۱۳ عبارتی که در آن حرف مشبه بالفعل وجود دارد را انتخاب کن.	
گزینه «۲»؛ «لَيْتَ» (۵/۲۵)	
توجه حروف مشبه بالفعل عبارتند از: «إِنْ، أَنْ، كَأَنَّ، لَكِنَّ، لَيْتَ، لَعَلَّ».	
۱۴ نقش کلماتی که زیرشان خط است را مشخص کن.	
الف) إِرْضَاءٌ: مبتدا (۵/۲۵) - جَمِيعٌ: مضاف‌الیه (۵/۲۵) - غَايَةٌ: خبر (۵/۲۵)	
ب) إِبْرَاهِيمُ: فاعل (۵/۲۵) - الإِسْتِثْنَاءُ: مفعول (۵/۲۵) - بِأَصْنَامٍ: جار و مجرور (۵/۲۵)	
۱۵ اسم فاعل و اسم مفعول و اسم مبالغه و اسم تفضیل را در عبارات زیر مشخص کن.	
الف) ۱. الدُّنْيَا: اسم تفضیل (۵/۲۵)	
۲. عُدَّةٌ ← العادی: اسم فاعل (۵/۲۵)	